

نبرد خلق

ارگان

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

دوره چهارم - سال دهم
اول آبان ماه ۷۲ - شماره ۱۰۱

سفر فلاحیان به آلمان

آخوند علی فلاحیان وزیر اطلاعات و امنیت رژیم و یکی از طراحان نقشه‌های تروریستی رژیم در روزهای ۱۲ و ۱۳ مهر امسال به آلمان مسافرت نمود و با مسئولین امنیتی دولت آلمان مذاکره نمود. تمام فرائض و شواهد و سیر اطلاعاتی که تاکنون در مورد این سفر در مطبوعات جهان و به خصوص مطبوعات آلمان چاپ شده، نشان می‌دهد که هدف فلاحیان از این سفر، مذاکره بر سر دادگاه ۵ نفر از تروریست‌های رژیم که جنایت کمال گذاشته در برلین را انجام دادند، و نیز مذاکره برای محدود نمودن فعالیت مقاومت ایران بوده است. روزنامه سه فرانکفورتر الکنامنه در شماره روز ۱۷ مهر خود از قول فلاحیان نوشت: "مادربین شکایت کردیم که مجاهدین خلق در آلمان اجازه دارند دست به فعالیت‌های خراب کارانه بزنند" و هم‌زمان روزنامه جمهوری اسلامی در شماره ۱۷ مهر خود می‌نویسد: "فلاحیان ۰۰۰ ضمن انتقاد از آزاد بودن منافقین در آلمان برای انجام هرگونه فعالیت تبلیغاتی و سیاسی علیه ایران افزود عجیب است که هم‌وزیر چهره واقعی این گروه تروریستی برای افکار عمومی غرب روشن نشده است".

فلاحیان همچنین در مورد اقدامات تروریستی رژیم در برلین، با توجه به دستگیری کاظم داریابی که یکی از عوامل مشهور وزارت اطلاعات رژیم می‌باشد می‌خواهد این گروه و اسود کند که این اقدام از جانب رژیم طرح ریزی شده و کار افراد منفرد می‌باشد. روزنامه فرانکفورتر الکنامنه در شماره ۱۷ مهر خود از قول فلاحیان می‌نویسد: "ممکن است که گروه‌های تروریستی ایرانی بدون اطلاع رهبری در تهران در خارج از کشور فعالیت‌ها داشته باشند". فلاحیان اضافه می‌کنند که: "همیشه امکان پذیر هست که نمرائی خودجوشانه عمل کند". اما سانسور یک بارزگان آلمانی در تهران که بلافاصله بعد از روزی از بازگشت فلاحیان صورت گرفت، تمامی رسانه‌های خبری محبت از یک معامله سرسازمان مالی نمودن دادگاه متهمین به جنایت برلین را مطمحرج می‌نماید. روزنامه برلینر تایونگ در شماره ۱۷ مهر خود در مورد ملاقات فلاحیان با مقامات امنیتی آلمان می‌نویسد: "این ملاقات در حالی صورت می‌گرفت که دادستان کل آلمان، فلاحیان را به عنوان وزیر دست‌سازمان دهنده فعل سیاستمداران تبعیدی کرد در دست‌سازمان در صفحه ۱۰

رژیم خمینی

وقرار داد صلح ساف و اسرائیل

* این رویداد یکی از بخش‌های حرکت بنیادگرای اسلامی که رژیم حامی و پشتیبان اصلی آنست را تضعیف می‌نماید.
* آنچه مسلم است دلیل مخالفت رژیم با این قرارداد نه بخاطر منافع مردم فلسطین بلکه بخاطر حفظ نظام ارتجاعی ولایت فقیه و منافع توسعه بنیادگرای اسلامی است. در صفحه ۴

پیام تبریک رفیق مهدی سامع

به آقای یاسر عرفات

به مناسبت امضاء قرارداد صلح بین سازمان آزادیبخش فلسطین و دولت اسرائیل در صفحه ۴

دولت موقت، دولتی است شورائی و ائتلافی

که همه گرایشهای موجود در شوراراد بر می‌گیرد

اطلاعیه
دبیرخانه شورای ملی مقاومت
در صفحه ۲

ترور ناشر نروژی آیات شیطانی

در صفحه ۲

جنایت تروریستی رژیم در بغداد

در صفحه ۱۲

مانور مه‌رتابان

در صفحه ۸

سیاست خارجی رژیم و ولایت فقیه و نقش لاریجانی

مهدی سامع
به نقل از ماهنامه شورای ملی مقاومت ایران - شماره ۸ - مرداد ۱۳۷۲

* رژیم جمهوری اسلامی، یک حکومت ایدئولوژیک است و تا آن جاکه به حوزه نظری بر می‌گردد، مانند هر حکومت ایدئولوژیک تمامیت گرا، مرزهای کشوری را به رسمیت نمی‌شناسد و ایجاد یک حکومت جهانی را، به مثابه آرمان و هدف، مدنظر دارد.

* بن بست رژیم در عرصه سیاست خارجی، مرضی نیست که با هیچ داروی داخلی و بین‌المللی مدارا شود. این بن بست از ذات سرکوبگر و تروریست رژیم ناشی می‌شود و اکنون که دیگر سیاست بحران‌زایی رژیم و آثار مخرب آن در عرصه‌های مختلف بین‌المللی برای جهانیان آشکار شده است، هیچ راه حل و طرحی نمی‌تواند رژیم را از این بن بست و بحران خارج نماید.

در صفحه ۵

عمر عبدالرحمان، عقده

رژیم خمینی

در صفحه ۹

رد طرح کمیسیون زنان و خانواده

در مجلس آخوندی

در صفحه ۱۲

رژیم آخوندی و جام جهانی ۹۴

در صفحه ۱۱

امنیت مساله محوری رژیم

در صفحه ۲

در این شماره:

- * اخبار و رویدادها
- * محکومیت کاریکاتور نیست
- * ریزش معدن زغال سنگ
- * ایران و سلاح اتمی
- * رابطه با آمریکا و پرونده‌های باز نشده
- * رویدادهای تاریخی
- * شهدای فدایی

گرامی باد خاطره انقلاب کبیرا کتبر

امنیت مسأله محوری رژیم

می‌کند. در این مراسم پاسدار افشار فرمانده نرسرویی بسیج سپاه می‌گوید: "هرجا انقلاب اسلامی تهدید و سوا موردتجاوز قرار گرفت نیروهای بسیجی باید با تمام قوا حضور پیدا کنند. ۲۰۰۰ تهاجم فرهنگی دشمنان بسنه انقلاب. جبهه دیگری است که نیروهای بسیجی باید با قدرت و تمام نیروها همسنگ با تشکیلات نظام وارد میدان شده و با آن مقابله کنند." کسپان هوایی در شماره ۷ مهر خود از سفر محسن رضایی سرکرده سپاه پاسداران رژیم به آذربایجان غربی گزارشی پخش نمود. محسن رضایی در جلسه شورای اداری آذربایجان غربی با اشاره به جایگاه این استان می‌گوید: "این استان در تاسیس امنیت داخل کشور نقش موثر و اساسی دارد."

وی سپس در مورد شمال عراق می‌گوید: "این منطقه نباید مأمن خودمروختگان غرب باشد." در همین جلسه اشتری معاون سیاسی و امنیتی استاندار آذربایجان غربی خواستار تاسیس "امنیت" در این منطقه می‌شود و می‌گوید: "عدم تحقق این امر و بروز شرارت توسط گروهکها اعتقادات و ارزش های مردم این خطه را جریحه دار می‌کند." بدین ترتیب روشن می‌شود که وقتی رژیم از استقرار "امنیت" حرف می‌زند منظورش مقابله با جنبش مردم و فعالیت گروههای سیاسی است. بدین جهت رژیم در صدد برمی‌آید که برای تاسیس "امنیت" دستگاه سرکوبگر رژیم را هرچه بیشتر متمرکز نماید. رادیو رژیم در تاریخ ۱۲ مهر امسال خبر می‌دهد که سه رفسنجانی ناصدور حکمی، بشارتی وزیر کشور را سه سمت رئیس شورای امنیت کشور موصوب کرد. بدین ترتیب بشارتی که جدی قتل ارحامه‌ای خواسته بود به منظور "رفراری و حفظ امنیت عمومی" فرماندهی نیروهای امنیتی را که از اختیارات ولی فقیه نبود به وزارت کشور واگذار کرد. سر از موافقت خامنه‌ای، از رفسنجانی بر سر برای حفظ "امنیت" رژیم مسئولیت "شورای امنیت کشور" را می‌گیرد تا به قول خودش با قدرت در مقابل کسانی که "امنیت" رژیم را متزلزل می‌کند بایستد. بشارتی قول داده است که سال ۷۳ را "سال امنیت" خواهد کرد و گفته است که "امنیت شعار محوری نظام است." اس حرف‌ها اسان را به یاد حرف های سران رژیم در سال آخر جنگ ایران و عراق می‌اندازد که همه با هم می‌گفتند که "چنگ نغاز محسوری نظام است" و "سال کار چنگ را بگردد می‌کیم". معلوم است که وضع امنیت رژیمش به وضع رژیم در سال اخیر چنگ است. وضعی که سه سال اخیر رژیم را مجبور به تسلیم و خمسی را با چار سه بوشدن حامی رهرمود می‌باشد.

اکنون سر رژیم به شدت از مردم و مقاومت احسان خطر می‌کند و با اعلام اسده "امنیت شعار محوری نظام است" به بسیج و آمادگی نیروهاش می‌پردازد و در همین راستا مامورهایی جهت "بالا بردن و آمادگی نیروها" یش برای حفظ "امنیت" انجام می‌دهد.

رادیو رژیم در تاریخ ۲۱ شهریور امسال گزارش می‌دهد که سپاه پاسداران "ماورد دفاع شهری خندق" را برگزار کرد. این مانور همزمان در نواحی چهارگانه تهران و در سراسر کشور به وسیله نیروهای سازمان یافته در قالب گردانهای عاشورادر ۲۸۰ مکان، در میدان

ها، اماکن و خیابانهای تهران برگزار می‌شود. همچنین رژیم مانور دیگری تحت عنوان عملیات بیت المقدس ۶ به مدت دو روز در تهران برگزار می‌کند. رادیو رژیم در روز ۱۰ مهر گزارشی از این مانور پخش می‌کند و منجمله می‌گوید: "در این مانور هلی کوپترهای ارتش جمهوری اسلامی نیروهای خود را در خاک دشمن فرضی به طریقه هلی برپیداده کردند." در این مانور بنا به گفته رادیو رژیم ۵۰ تن از نیروهای سرکوبگر شرکت داشته و بانوب و تانک و نیروهای پیاده مبارزت با سه عملیات فرضی می‌نمایند. همچنین روزنامه هادرتاریخ اول مهر خبر می‌دهند که در تهران طرح چند مرحله ای "مرصاد" به منظور مبارزه با مجرمن و اخلاکگران نظم و امنیت جامعه توسط اداره آگاهی تهران برگزار شد. هم زمان با گشایش مدارس، رژیم وحشت زده به فکسر کنترل هرچه بیشتر جوانان می‌افتد. روزنامه اطلاعات در شماره ۱۲ مهر می‌نویسد: "تیمسار رحیم گلستانی فرمانده منطقه انتظامی شرق تهران به خبرنگار ما گفت ایابازگشایی مدارس امکانات خود را بسیج کرده ایم و نیروهای گشتی در اکثر محله‌های اصلی و اطراف مراکز آموزشی مستقر شده‌اند." همین امر موجب شده است مجرمان در صورت ارتکاب جرم، در اسرع وقت دستگیر شوند. سرکوبگران رژیم به وضوح دشمنان خود را مدرفی می‌کنند. جوانان نیرویی هستند که رژیم به شدت از آنان هراس دارد و بدون علت بدست که با گشایش مدارس، رژیم این گونه نیروهاش را بسیج می‌کند. همانطور که گفتیم رژیم به خصوص از تهران و سوارمیزی غرب ایران به شدت می‌ترسد. رادیو رژیم در مرکز احوار در تاریخ ۲۰ مهر از شرکت بشارتی در جلسه شورای اداری استان خوزستان خبر پخش می‌کند. بشارتی در این جلسه بر "تاسیس هرچه بیشتر امنیت مرزها و شهرها و تقویت نیروی انتظامی" تاکید می‌کند. بشارتی بعد از آن به استان کردستان می‌رود و در جلسه شورای اداری این استان شرکت می‌کند. رادیو رژیم در تاریخ ۲۲ مهر از قول بشارتی اعلام می‌کند که: "حساب مردم کردستان از ضدانقلاب جد است و برای مردم استان نیز شعارهای پوشالی دشمنان انقلاب منشی بر حمایت از کردها دیگر یک باخته است." امامعلیوم است که بشارتی این حرف‌ها را از موضع ضعف می‌زند زیرا رادیو رژیم در تاریخ ۲۳ مهر از قول بشارتی اعلام نمود که: "به منظور مقابله جدی با هرگونه ناامنی در استان کردستان یک نیروی فرضی ویژه در این استان تشکیل می‌شود." رادیو رژیم اعلام کرد که بشارتی دیروز در مصاحبه با خبرنگاران در سنج گفت: "سپاه و ارتش موظفند، نیروی انتظامی را در اجرای اسبی تصمیم باری دهند و انشاءالله در آمده‌ای نه چندان دور آثار مثبت این تصمیم را خواهیم دید." بشارتی در این مصاحبه با هم تاکید می‌کند که "امنیت شعار محوری است" و اضافه می‌کند که: "ناهمه امکانات امنیت را در سراسر کشور خصوصاً در استان کردستان سر قرار خواهیم کرد."

توجه به حرف‌های بشارتی روشن می‌کند که "امنیت" رژیم در خطر افتاده است. وقتی تکیه کلام بشارتی "امنیت" می‌شود، معلوم است که رژیم با چه مشکلی روبروست. مشکلی که مملهاره جن سرکوب هم نمی‌تواند برای رژیم چاره‌ساز باشد.

از وقتی بشارتی وزیر کشور شده، بطور مرتسب از "امنیت" حرف می‌زند. بشارتی یکی از عوامل سرورست و یکی از جلادان و شکنجه‌گران دستگاه سرکوب رژیم بوده و حالا در مقام وزیر کشور می‌خواهد "امنیت" رژیم را تاسیس کند. بشارتی در مصاحبه با روزنامه رسالت (۳۰ شهریور ۷۲) یک طرح سرکوبگرانه ارائه می‌دهد و می‌گوید: "اسدوارم این طرح چند وقت دیگر به شورای عالی امنیت ملی ارائه شود و از ابتدای سال آینده در سراسر کشور به مرحله اجرا درآید." وی ادامه می‌دهد که: "اساسی تصمیمات اتخاذ شده در کمیته برنامه ریزی، برنامه‌میع ساله دوم، مقرر شد که تعدادی هزار نفر در طول برنامه به کادربروی انتظامی اضافه شود و حقوق پرسنلی این نیروی ترسیم و افزایش باید ۲۰۰۰ با تلاشهایی که انجام شده است ابزار لازم و امکانات مناسب به موقع در اختیار این نیرو قرار خواهد گرفت و انتظار داریم که پرسنل نیروی انتظامی در خصوص ایجاد امنیت و حل و فصل مسائل جدیت بیشتری را انجام دهند." بشارتی جلاد در هر کجا که رفته و حسرف زده، مساله "امنیت" را پیش کشیده است. روزنامه کسپان در تاریخ ۲۰ شهریور ۷۲ گزارشی از گردهمایی ائمه جمعه سراسر کشور پخش می‌کند. در این گردهمایی بشارتی "امنیت مطلوب در کشور از سیاست های اصلی وزارت کشور" می‌داند و با اشاره به شرایط سخت و بحرانی که رژیم را فرار گرفته اشاره می‌کند و می‌گوید: "سراسر کسوی سخت تر از در اسلام است. در قرن حاضر نیروهای اهریمنی برای نابودی ارزش های الهی به صورت گسترده تلاش می‌کند. اما جمهوری اسلامی از موضع قاطع خود دست بر نخواهد داشت." اس اظهار را بر اساسی تنها از جانب بشارتی بیان نمی‌شود. بلکه سران رژیم و به خصوص سرکردگان نظامی که نقش سرکوبگری و مردوری آخوند هارانه عهده دارند از هر فرصتی استفاده می‌کنند و به ضرورت ایجاد "امنیت" اشاره می‌کنند. طی روزهای اول تهاقن مهر امسال به مناسبت سالگرد جنگ، رژیم هفته "دفاع مقدس" را برگزار نمود. تمامی گردانندگان رژیم که طی این هفته

در نقاط مختلف کشور منجمله در تهران و سوارمیزی غرب کشور صحبت کردند. از بشارتی که رژیم را تهدید می‌کند حرف زدند. برای مثال فرماندار اسلام آباد غرب در روز ۶ مهر می‌گوید: "اسکار جهانی فصد ضربه زدن به انقلاب اسلامی ما را دارد. لدا سه ما واحب است که با تمامی امکانات در برابر این ترغدها مقابله کنیم." رادیو رژیم مرکز کرمانشاه ۶ مهر از در مورد تهران روزنامه رسالت در شماره ۵ مهر خود از قول بشارتی می‌نویسد: "رفراری امنیت مطلوب در کشور را از شهر تهران شروع خواهیم کرد. امنیت در تهران از نظر ما بسیار حائز اهمیت می‌باشد." بشارتی این سخنان را به مناسبت تعویض اختیارات ارجانبب آخوند خامنه‌ای به او گفته و می‌افزاید: "ملت از شما امنیت و نظم می‌خواهد و در این دوره باید یک رکورد جدیدی از نظم و امنیت به وسیله نیروهای انتظامی به جا گذاشته شود." روزنامه جمهوری اسلامی در شماره ۶ مهر خود گزارشی از مراسم افتتاح ستاد ناحیه بسیج وزارت کشور که با شرکت بشارتی برگزار شده بود چاپ

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۱۲

این عمل تروریستی بدون شك در ادامه تئوسلاش رزیم برای ادامه حیات میرنده خود در مقابل رشد و تکامل مقاومت ایران و ارتش آزادیبخش ملی می‌باشد و ما آن را محکوم می‌نمائیم.

ترور ناشر نرئوی آیات شیطانی

وینام نگارد، ناشر نرئوی کتاب آیات شیطانی در حمله تروریست های رژیم خمینی در مادام روز ۱۹ مهر امسال به شدت مجروح و به بیمارستان منتقل شد. ترور این ناشر نرئوی، افکار عمومی کشورهای اسکاندیناوی را به شدت برانگیخته است. تمامی مطبوعات بسسه دخالت رژیم آخوندی در این سو، قصد، مقاله و خبر درج کرده اند. خبرگزاری رویتر سخنان سلمان رشدی که در روزنامه دانمارکی یولیتیکن چاپ شده را مخابره نمود. سلمان رشدی می‌نویسد: "من فراخوان قطع بلافاصله و کامل روابط سیاسی، اقتصادی، مالی و فرهنگی را می‌دهم. هیچ بلك از متخمیم اطلاعاتی تردیدی ندارید که ایران پشت حمله مذبحخانه به جان ناشر عالیقدر نرئوی بوده است."

این ترور توسط شورای ملی مقاومت ایران شیده ا محکوم شد و آقای یوریو خراشی نماینده شورای ملی مقاومت ایران در کشورهای نوردبلك، با انجام مصاحبه های متعدد با رسانه های خبری به افشاء رژیم خمینی و دست داشتن رژیم در این ترور جنایتکارانه پرداخت.

اعتراض کارگری

خبرگزاری فرانسه ۱۶ شهریور به نقل از روزنامه رسالت اعلام نمود: "حدود ۱۰۰۰ انفراز کارکنان بسلك کارخانه پارچه بافی در امفهان روردوشنبه پانزدهم شهریور به دلیل عدم پرداخت حقوق شان از ۵ ماه قبل و شرایط بد اقتصادی دست به اعتراض زدند. بنا به گفته این روزنامه کارگران کارخانه بخ ناب در مقابل اسناداری امفهان برای پرداخت حقوق شان دست به نظاهاات زدند. همچس رسالت می‌افزاید ۵۰۰ کارگر این کارخانه به دلیل مالی از کار اخراج شده اند."

ریزش معدن زغال سنگ

خبرگزاری فرانسه ۲۱ مرداد: "۲۰ انفردر جریان فسرو رخنس معدن زغال سنگ باب فیروز کرمان کشته شدند." این حادثه سرائرانفجاریکی ارتوبل هاروی داد.

محکومیت کاریکاتورست

آخوند محمد یزدی در نماز جمعه روز ۲۳ مهر امسال خبر محکومیت منوچهر کریم زاده کاریکاتورستست مجله فاراد را به ۱۰ سال اعلام نمود. چندی قبسل ناصر عرسها مدیر مجله فاراد در بلك بی دادگاه رژیم به شش ماه محکوم شد. منوچهر کریم زاده تنها به خاطر کشیدن بلك کاریکاتور به ۱۰ سال زندان محکوم می‌شود.

اطلاعه
دبیرخانه شورای ملی مقاومت

و خورشید نیز به عنوان آرام شورابرگزیده شد. آقای رجوی در مصاحبه خود با اشاره به دستاوردهای فوق یادآور شد که امروز بنای مقاومت ایران به کسبال خود رسید و این مازاه سرنگونی دیکتاتوری تروریستی و مذهبی ملایان هرچه بیشتر نزدیکتر می‌کند. وی ایسن دستاوردها را قبل از هر چیز محمول پایداری و استسوار ی همه سازمانها و اعضای شورای ملی مقاومت در مقابل به بار رژیم خمینی و مبارزه برای دستیابی به دمکراسی. صلح و حقوق بشر توصیف کرد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران - پاریس

۳۰ سپتامبر ۱۹۹۲ (۸ مهر ۱۳۷۲)

* بلنسنین پس از غلبه بر پارلمان روسیه، فرمان بلك حکومت نظامی در مسکورا صادر نمود. فعالیتت شش حرب و جنبش سیاسی مخالف، راه حالت تعلیق در آورد. دستور توقیف، چند روزنامه چاپ مسکو، منجمله پراودا را صادر نمود. شوراهای روسیه را منحل اعلام نمود و بالاخره فعالیت های دیوان عالی قانون اساسی روسیه را به حالت تعلیق در آورد و گاردها و محافظین قمرلنسن در میدان سرخ مسکورا مرخص نمود.

* مراسم تحلیف، حیدر علی اف رئیس جمهور آذربایجان در مقر ریاست جمهوری در شهر باکو برگزار شد. وی در این مراسم به قران قسم یاد کرد که از اسم و مصوبت مردم آذربایجان دفاع کند.

* حرب سوسیالیست یونان در انتخابات پارلمانی این کشور حائز اکثریت اراء شد. آندراس پایاند رشنو رهبر حزب سوسیالیست یونان با این پیروزی بر حزب حاکم محافظه کار "دموکراسی نوین" به مقام نخست وزیر برسد.

* سازمان ملل متحد پس از پایان مهلت ۵ روزه به محاصره اقتصادی هائیتی پرداخت. این تحریم شامل تحریم نفتی، تسلیحاتی و مسدود نمودن دارائی های هائیتی می‌باشد. نظامیان حاکم که در اثر کودتا به سر کار آمده اند، بر طبق تصمیم ملل متحد باید بر اساس موافقت نامه امضا شده در ترم ماه گذشته با بازگشت "آرستید" رئیس جمهور برکنار شده به قدرت موافقت کنند.

* دکلرک رشنر جمهور افریقای جنوبی و نلسون ماندلا رهبر کنگره ملی افریقا، بطور مشترک جایزه صلح نوبل سال ۱۹۹۳ را برنده شدند.

* حرب بی نظیر سوتودر انتخابات پارلمانی پاکستان صاحب اکثریت کرسی های پارلمان شد و راه برای سخت وزیر بی نظیر بوتو کاملاً هموار شده است.

هوایماها و موشک های حامل مهمات اتمی توسط این کشور به بقر بدل شد. گزارشات مطبوعات نیز حاکی از آنست که ایران دانشمندان و مهندسین اتمی اتحاد شوروی سابق را به استخدام خود در آورده "مدیر ایسن استیتو می‌گوید: "اکثر حرکات اخیر ایران با جاساه طلنی اش در کسب نهایی بلك نوع سلاح اتمی جسور در می‌آید."

آقای مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت ایران طی مصاحبه ای که از رادیو سراسری مجاهدین پخش شد، تاکید کرد دولت موقت که بعد از سرنگونی ملایان حاکم بر ایران تشکیل می‌شود، بلك دولت ائتلافی خواهد بود که همه گرایشهای سیاسی موجود در شورای ملی مقاومت را در بر خواهد گرفت. آقای رجوی افزود که این موضوع را من در جریان ساخت احلاسه اخیر شورا نیز تصریح کردم و در صورت جلسات این اجلاس ثبت شد. در اولین اجلاس پارلمان مقاومت ایران که به مدت هفت روز اخیر تشکیل شد، اعضای این شورا به ۲۳۵ عضو بالغ شد و ۱۸ کمسیون تخصصی نیز تشکیل گردید و شسر

از رسانه های خبری ایران و جهان

* سنای امریکا برنامه کمک ۱۲/۵ میلیارد دلاری خود را تصویب کرد. از این مبلغ ۲ میلیارد دلار به اسرائیل، ۵/۵ میلیارد دلار به جمهوری های سابق شوروی و ۲ میلیارد دلار به مراختصاص دارد.

* در امریکا بلك گروه از ناشرین امریکایی برای جلب حمایت دولت امریکا به نفع سلمان رشدی گرد هم آمدند تا از جانب وی رای اعتماد دولت امریکا را جلب کنند. در اطلاعیه منتشره از جانب این گروه آمده است که: "دبیدار کلینتون با سلمان رشدی کانسو توجهات جهان را سروز دیگاه ایران از حقوق بشر فرامی‌دهد." * نماینده مهاباد در مجلس اربخا به حدف شش از ۵۰ درمدا سرنامه های کردی مدا و سمای جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد و گفت: ساس حدف مدا و سمدارد حدف، ۵۰ درمدا سرنامه های محلی های سسی نگرانی و شگفتی است. اس سخنان را سمداده مهاباد در جلسه روز ۳۱ شهریور مجلس اربخا اعلام نمود.

* بانك، جهایی صلغ وام خود به سات راز ۲ میلیارد دلار به ۵ میلیارد دلار افزایش داد.

* رف سبجانی صاد و بلك حکم، علی محمد شارسکی وزیر کشور رژیم راه سمت رشنر شورای اسس کشور مصوب کرد.

* ترکیه اعلام کرد که به سطور سربوک سروهای بلك برای اولس نارطی بلك سال گذشته عملیات زمسی به اجرا گذاشته است. در اس عملیات سروهای ترکیه حدود ۲۰ کیلومترو اردخاک عرای شده اند.

* جایزه ادبیات نوبل در سال ۱۹۹۳ به خام نوسی مورسون نویسنده سباه پوست امریکایی سعلی گرفت.

ایران و سلاح اتمی

خبرگزاری رویتر در تاریخ ۲۰ مهر بخشی از گزارش "استیتو بی المللی مطالعات استراتژیک لندن" را منعکس کرده است. در قسمتی از این گزارش پیرامون تلاش رژیم برای دست یابی به سلاح اتمسی آمده است: "شک و تردیدهایی که درباره ساختن سلاحه اتمی توسط ایران وجود داشت نیز با خبریست

سیاست خارجی رژیم ولایت فقیه و نقش لاریجانی

به نقل از ماهنامه شماره ۸ شورای ملی مقاومت ایران

— مهدی سامع

احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول نصاب قدرت در جهان دعوت نکند» (۵).

در مورد محور دوم، خمینی می‌گوید: «مسأله دیگر هم این است که ما نمی‌خواهیم در یک کشوری زندگی کنیم که از دنیا منزل باشد. ایران امروز نمی‌تواند این طور باشد. بلکه کشورهای دیگر هم نمی‌توانند این طور باشند که در یک جا بنشینند و مرزهایشان را ببندند. این غیر معقول است. امروز دنیا مثل یک عائله و یک شهر است... ما باید با کشورهای که با ما هستند و ما را اذیت نمی‌کنند، روابط داشته باشیم و آقایان در فکر این باشند و روابط را تحکیم کنند... این معنا - که گاهی اهل غرض یا جهال این حرف را می‌زنند - که ما نباید روابط داشته باشیم، از بابت این است که یا نمی‌فهمند یا غرض دارند. تا انسان جاهل یا مخالف با اصل نظام نباشد، نمی‌تواند بگوید یک نظام باید از دنیا منزل باشد... اسلام یک نظام اجتماعی و حکومت است و می‌خواهد که با همه عالم روابط داشته باشد» (۶).

این دو محور، اساس سیاست خارجی جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهد. براساس این سیاست است که خمینی هم از یک مکارلین بهره‌مند می‌شود و هم، با فراهم آوردن ایدئولوژی و ماده منفجره، از کشتار تفنگداران آمریکایی در لبنان کاش را شیرین می‌کند. بر اساس همین سیاست است که هم نشست و برخاست با آقای دوما، وزیر سوسیالیست فرانسوی، ادامه پیدا می‌کند و هم موج سبک‌گذاری در فرانسه به راه انداخته می‌شود و باز بر اساس همین سیاست است که هم کورنیهس لن و نگرین می‌شود و هم از حزب توده استفاده به عمل می‌آید یا آقای شوارز ناتزه به حضور «امام» پذیرفته می‌شود. خمینی بر اساس این سیاست، اصل را بر حفظ نظام خود قرار داده و هر چیز را که با این اصل در تناقض قرار گیرد، کنار می‌گذارد. البته در مسیر پیشبرد این سیاست از طرف آخوندها، فراز و نشیبهای بسیار وجود داشته و وقایعی هم چون گروگانگیری کارمندان سفارت آمریکا در تهران، جنگ ایران و عراق، گروگانگیری در لبنان، حکم قتل سلمان رشدی، تقویت بنیادگرایان در الجزایر و مصر، بلوای مکه، انفجارهای تروریستی در کشورهای مختلف و... این سیاست را دچار افت و خیزها نموده است. اما سیاست دائم رژیم بر مبنای صدور ارتجاع، بنیادگرایی اسلامی و تروریسم و ایجاد رابطه با کشورهای مختلف و گرفتن باج از آنها برای حفظ نظام بوده و هست. آن دسته از مردمان خمینی، که معتقدند سیاست خمینی در جهت تقویت جنبه اسلامی در کشورهای مختلف، براساس منافع مردم آن کشورها بوده است، یا واقعیت را می‌دانند ولی این ادعا را به متابه یک حربه علیه حجاج مخالف به کار می‌گیرند (مثل محتشمی)، یا این که چنان نسبت به خمینی توهم داشتند که تنها ضربه‌های شلاق و طناب دار یا حکم تکفیر، آنان را به خود می‌آورد (مثل سیدمهدی هاشمی).

محمدجواد لاریجانی یکی از کارگزاران و تروریستهای اصلی رژیم در زمینه سیاست خارجی است، و گر چه در گذشته، طرح بعضی از مسائل از جانب او این شایعه دروغ را رواج می‌داد که او یک سیاستمدار «میان‌رو» و از جمله کسانی است که خواهان محترم شمردن قوانین و قواعد بین‌المللی می‌باشند، اما تحلیل دیدگاه‌های نشان می‌دهد که او یکی از پیروان وفادار و سرخست خط خمینی است. محمدجواد لاریجانی تحصیل کرده آمریکاست. فعالیت مؤثر او پس از قبول آتش‌بس از جانب خمینی شدت می‌گیرد. در این زمان او «معاون اروپا و آمریکا در وزارت امور خارجه رژیم» است. چندی پس از آتش‌بس، او در روزنامه اطلاعات به تاریخ ۴ مهر ۶۷، مقاله‌یی تحت عنوان «سیاست خارجی خود را مبنی بر اصول تنظیم کنیم» می‌نویسد و در آن مسائل زیر را طرح می‌کند:

سیاست خارجی رژیم یکی از مسائلی است که همواره مورد بحث و بررسی محافل مطبوعاتی و تحلیل‌گران مسائل سیاسی قرار می‌گیرد. بسیاری فکر می‌کنند که این سیاست از هیچ گونه هدف و استراتژی مشخصی پیروی نمی‌کند. افراد فرصت طلب، و بعضاً ناآگاه، در ایران و بعضی محافل شناخته‌شده بین‌المللی هم هستند که این سیاست را به این یا آن جناح رژیم نسبت می‌دهند و یا برخی مانورهای و بازیهای به ظاهر «واقع‌گرایانه» آخوندها - به ویژه آخوند رفسنجانی و افرادی در وزارت امور خارجه - از تغییرات «مثبت» در این سیاست حرف می‌زنند. به نظر من سیاست خارجی رژیم، از ابتدای روی کار آمدن این رژیم تاکنون، بر اساس هدف و استراتژی معینی طرح‌ریزی شده است. این سیاست توسط خمینی پایه‌گذاری شده است و در مورد چگونگی عملی کردن آن، سرکردگان رژیم اساساً در «شورای امنیت ملی» تصمیم می‌گیرند و اجرای آن را به وزرات امور خارجه و ارگانهای دیگری که به مسائل خارج از رابطه بین دولت‌ها می‌پردازند، واگذار می‌کنند. رژیم جمهوری اسلامی، یک حکومت ایدئولوژیک است و، تا آن جا که به حوزه نظری برمی‌گردد، مانند هر حکومت ایدئولوژیک تمامیت‌گرا، مرزهای کشوری را به رسمیت نمی‌شناسد و ایجاد یک حکومت جهانی را، به متابه آرمان و هدف، مدنظر دارد (۱). اما از آن جا که این هدف، دور از واقعیت و در شرایط کنونی جهان یک اتوپیاست، حکومت‌های ایدئولوژیک در عمل از آرمان و هدف خود، به سود تبعیت از واقعیت‌های سرسخت موجود، فاصله می‌گیرند و این فاصله‌گیری را به اشکال مختلف توجیه می‌کنند. حکومت ولایت‌فقیه، که خمینی آن را بنا نهاده، به متابه یک رژیم ایدئولوژیک، هدف اساسی خود را «حکومت جهانی اسلامی» براساس ولایت مطلقه فقیه و «عدل اسلامی» - طبق الگویی که خمینی در ایران پیاده کرده - قرار داده است (۲). اما هم خمینی و هم نقایای او به خوبی می‌دانستند و می‌دانند که چنین هدفی در شرایط کنونی جهان قابل دسترسی نیست. آنان، برای رسیدن به هدف اصلی خود، یک استراتژی مرحله‌یی طرح‌ریزی کرده‌اند. هدف این استراتژی مرحله‌یی، ایجاد یک «اتحاد جماهیر کشورهای اسلامی» است که حکومت آخوندها در ایران در مرکز آن قرار دارد. تقویت این مرکز، به عنوان ام‌الفرقای جهان اسلام، «وظیفه همه مسلمانان» جهان است (۳) و چگونگی عملی کردن آن که بر دو محور استوار است، بر اساس تز «مصلحت نظام» خمینی قرار دارد. این تز، اساس اجرای سیاست‌های رژیم هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین‌المللی است و اختلاف‌های درون حکومت براساس تشخیص این «مصلحت» شکل می‌گیرد. دو محوری که سیاست خارجی رژیم براساس آن بنا شده، از این قرار است:

۱ - ایجاد، سازماندهی و تقویت «هسته‌های مقاومت چریک‌الله در سراسر جهان» (۴) از بین مسلمانان قشری یا متوجه نسبت به خمینی.

۲ - ایجاد رابطه با دولت‌های مختلف، با توجه به حفظ نظام و استفاده از تضادهای جهانی و منطقه‌یی. در مورد محور اول، خمینی، در حدود یک هفته بعد از قبول قطعنامه ۵۹۸ و نوشیدن جام زهر، می‌گوید: «ما باید برای پیشبرد و اهداف و منافع ملت محروم ایران برنامه‌ریزی کنیم. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان، با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است و کشور ایران، به عنوان دژ نظامی آسیبناپذیر، نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبنای عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین اصول و روش‌های مبارزه علیه نظامهای کفر و شرک آشنا می‌سازد. من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای

«استقلال نفی وابستگی است، نه نفی رابطه»، «رابطه را بر مبنای اصول باید برقرار یا قطع کنیم، نه احساسات و یا دگرگینهای سیاسی داخلی».

«بمبید است بتوانیم خوی سلطه‌گری را از سر این گونه کشورها بیرون کنیم» [منظور او قدرتهای بزرگ است].

«لذا ... باید سعی کنیم آنها را برای مدت قابل توجهی از وصول بدین هدف ناامید سازیم».

«سیاست بین‌المللی خود را چنان تنظیم کنیم که نیروهای فعال سیاسی دنیا منافع نزدیک خود را در تمرکز و خصومت با ما نبینند و حتی با وجود دشمنی باطنی، در مقطع حال ترجیح دهند با ما کنار بیایند».

«سیاست منطقه‌یی خود را چنان تنظیم کنیم که منطقه علیه ما متحد نشود، بلکه نفع خود را در همزیستی با ما بیابد».

«برای مملکت قدرت دفاعی بازدارنده سازماندهی نماییم».

این مواضع با موج مخالفت نیروهای خط امام مواجه می‌شود و علی حسین پناه، در یک سلسله مقاله در روزنامه کیهان تحت عنوان «دکترین امنیت ملی»، دیدگاه‌های لاریجانی را نقد می‌کند. وی بر خلاف لاریجانی که مشخص حرف می‌زند، به کلی‌گویی می‌پردازد و می‌گوید: «جمهوری اسلامی ایران به خاطر اهمیت «طبیعی ژئوپولیتیک»، «اقتصادی و ایدئولوژیک» و هم به لحاظ وقوع انقلاب اسلامی، که اهمیت ایران را در ایجاد مختلف به شدت افزایش داد و آن را طی دهه گذشته به صورت کانون و مرکز صدور ایدئولوژی رادیکالیسم اسلامی درآورد، و هم از نقطه نظر وقوع جنگ ... از حیثیت و اهمیت جهانی و منطقه‌یی بسیار حساسی برخوردار است» (۷). او از اتهام در دیپلوماسی رژیم پس از قبول قطعنامه ۵۹۸، سخن می‌گوید و می‌نویسد که قبول قطعنامه «دامنه اعتناش در دکترین امنیت ملی ما را افزایش داد و از سوی دیگر اتهامات آن را بیشتر نمایان ساخت» (۸) و سپس نظر خود پیرامون خطوط سیاست خارجی را چنین بیان می‌کند: «امنیت و منافع ملی ایران بر مبنای خطوطی که انقلاب اسلامی ترسیم می‌نماید و در گرو تلاش نظام کنونی و استقرار یک نظم جدید جهانی است که مبارزات ملت‌های مالک عقب نگهداشته شده و به ویژه جهاد اسلامی در کشورهای مسلمان، مهندسی آن را طراحی می‌کنند» (۹). پیداست که این نویسنده «خط امامی»، تنها به محور اول حرف‌های خمینی چسبیده است و نمی‌تواند یا نمی‌خواهد واقعیت «انقلاب اسلامی» و استراتژی جهانی را درک کند. چندی بعد لاریجانی، در مصاحبه با روزنامه رسالت، به طرح خطوط اصلی نظراتش می‌پردازد. رثوس نظراتی که او در روزنامه رسالت ۴ دیماه ۶۷ بیان می‌کند، به قرار زیر است:

«همه چیز ما ویژه است، اعتقادات دینی ما ویژه است، رهبری ما ویژه است، ما با استقلال و قدرت بالقوه خود توانستیم یک دیپلوماسی فعال در دنیا ارائه دهیم».

«بعضیها به غلط می‌گویند دیپلوماسی ایران بعد از قبول قطعنامه، دچار تحول شده».

«دکترین منطقه‌یی ما مبنی بر چند اصل محوری و اساسی است:

اصل اول: امنیت خلیج فارس یک امر دسته جمعی و امری منطقه‌یی است.

اصل دوم: منطقه باید از هرگونه تنش و تفرقه ناشی از کشورهای منطقه به یکدیگر در امان باشد.

اصل سوم: توسعه منطقه توسط همکاری دسته‌جمعی.

اصل چهارم: اتخاذ یک سیاست معقول و دسته‌جمعی در اوپک».

در آن وضعیت چند مسأله مهم در داخل اتفاق می‌افتد. ابتدا خمینی در ۲۵ بهمن ۶۷ حکم قتل سلمان رشدی را صادر می‌کند، بعد، در تاریخ ۵ فروردین ۶۸، منتظری را برکنار می‌نماید و سرانجام خود در خرداد همان سال می‌میرد. این رویدادها از یک طرف منجر به تشدید تضاد، در درون حکومت می‌شود و از طرف دیگر،

تاریخ ۲۶ فروردین ۶۹ متن يك گفتگوی مفصل با لاریجانی را به چاپ می‌رساند. رسالت لاریجانی را مشاور وزیر و دبیر کمیته سیاست خارجی شورائی عالی است ملی معرفی می‌کند که کنایی در مورد "استراتژی جمهوری اسلامی" نوشته است. مباحثه در شرایطی صورت گرفته که از يك طرف نهادهای عراق و آمریکا تشدید شده و از طرف دیگر روابط جمهوری اسلامی با اتحاد شوروی سابق هر چه بیشتر گسترش یافته است. فشرده نظرات لاریجانی در این مصاحبه از این قرار است:

"جهان دوقطبی ارجحیت اولیه خارج شده و برای کشورهای مستقل امکان مانور بسیار بیشتری فراهم شده است."

"با توجه به نیروی نظامی شوروی و تصمیم رهبری آن کشور به حفظ تمامیت ارضی، به نظر من بعد است که هیچ بخشی از جمهوری شوروی جدا شود."

"پیش بینی من این است که شوروی به عنوان يك کشور راقی خواهد ماند با همین مرزها و چیزی که عوض خواهد شد این است که مارکسیسم به طور کلی در شوروی ریشه کن خواهد شد."

او در مورد سیاست آمریکا و اروپا در منطقه خاور میانه می‌گوید:

"سیاست آمریکا در منطقه تابع دو مساله است. اول حیران کاهش نفوذش در اروپا و دیگری مساله مهار اروپا"

"آمریکا در منطقه خلیج فارس باید نفوذ و کنترل بیشتری داشته باشد و این البته با منافع متحدانهاست به طور اساسی دارد."

"در مورد اروپا، به نظر من نفع اروپاییها در این است که ما منطقه خلیج فارس ارتباط مستقیم مستقلی داشته باشیم. بر روی صاف ماهم به عنوان بخشی از این منطقه. تاثیر دارد."

او در مورد عراق و رابطه اش با آمریکا می‌گوید:

"آمریکاسها، اگر شعور داشته باشند، مطمئنا به این نسخه خواهند رسید که نایک رژیم می‌ماند. می‌تواند در منطقه به جایی برسد." ملاحظه می‌شود که لاریجانی خواهان "شعور" داشتن آمریکاسهاست. به طوری که "گروههای اسلامی" را بر ضد برج‌مخ دهد. وی در مورد چشم انداز تمدن اسلامی و عراق می‌گوید: "پیش بینی من این است که عراق سعی دارد این بحران را پائین نیاورد و در مقابل به اسرائیل و آمریکا هم نایک پیشری ندهد. عراق سعی می‌کند این بحران را تا آخر به پیش برد و وقتی گرد و خاک فرو نشیند، ما يك عراقی خواهیم داشت که دست و پاهاش سست به آمریکا و اسرائیل دارد. یعنی بسا آنها همسکه نخواهد بود."

به دنبال این اظهار نظرها و سر حریمهای مهاجرانی (۱۳)، موج مخالفی از طرف خط امامسها، از نسها سنگر تان که مجلس است بر می‌خیزد. مظفری سزاد، از سادگان مجلس ارجاع، در مجلس می‌گوید: "اس مقاله دارای مضامینی به شدت ضد انقلابی و ضد خط امامی است. نواز مقاله سعیدی سرجانی است به گونه‌ی که خیرگزارسها گفته‌اند که از آغاز انقلاب تا کنون، مسئولین ایران هیچگاه چنین موضعی نداشته‌اند. در مقاله مروری صراحتا اعلام شده است که بایستی بسه پیشنهاد اخیر "جیمز بیکر"، وزیر امور خارجه آمریکا، مبنی بر مذاکرات مستقیم پاسخ مثبت داده شود."

پس از مرکه خمینی و آغاز مانورهای رفسنجانیسی، جریانهای در داخل و خارج کشور شکل می‌گیرند که تصور می‌کنند رفسنجانی رژیم را به سمت میانه روی خواهد برد. کسانی هم که هنوز نسبت به خمینی دچار توهم اند، فکری نمی‌کنند بایه این فکرها من می‌زند که گویا رفسنجانی يك خط جدید مخالف خمینی را پیش می‌برد. در این گیرو دار، روزنامه کیهان در تاریخ ۱۹ شهریور ۶۸، مصاحبه‌ی با لاریجانی انجام می‌دهد. او اکنون از معاون وزیر به مشاور وزیر ارتزول پیدا کرده است. اریجره خارج شده تا از در وارد شود. او در این مصاحبه حریمهای بسیار می‌زند. ولی رهوس کلی نظراتش بسه قرار می‌رساند:

"مخالص جمهوری اسلامی ایران در بیرون از مرزها مبنی بر سه اصل است:

۱- حفظ موقعیت جمهوری اسلامی ایران در کل جهان اسلام، به عنوان ام القرای جهان اسلام که داعیه رهبری آن را دارد."

۲- استحکام قدرت دفاعی و امنیت نظام.

۳- توسعه و آبادانی سرزمین جمهوری اسلامی."

او از این اصول نتیجه می‌گیرد که:

"برقراری رابطه با آمریکا نباید در چارچوب تحقق و حفظ این هدفها باشد."

"اگر آمریکا خواهان رابطه با ایران است، باید شرایط ایجاد رابطه معقول با ام القرای جهان اسلام را فراهم سازد."

"مشکل عمده آمریکا این است که ایران نسها بیک کشور محدود در مرزهای جغرافیایی و صاحب مثلاً ۵۰ میلیون نفر جمعیت نیست، بلکه ایران ام القرای کل اسلام است که يك میلیارد نفر جمعیت دارد."

وی در رابطه با شوروی در آن زمان و روابط رژیم سا آن، در همین مصاحبه می‌گوید: "تصور می‌کنم که این منطقه را در دهه آینده تصویر دیگری می‌بینم که اساس روابط در شکل دادن به آن نقش مهمی دارد." او، دوروز بعد، در سرمقاله روزنامه رسالت می‌نویسد: "برخی در مقابل این سوال که ایران تحت چه شرایطی با آمریکا تجدید روابط خواهد کرد؟ می‌گویند باید آمریکا قدم اول را بردارد و حسن نیت نشان دهد. من به این منطق اعتقادی ندارم. زیرا روابط با آمریکا بایه نفع نظام است و بایست. اگر به نفع است، قدم اول دوم و امثال اینها صورت و شکل قضا شده است. و اگر نیست، به فرض این که آمریکا چند دست مثبت هم بگیرد، ما رابطه را نمی‌خواهیم" (۱۰). وی سپس می‌نویسد: "جمهوری اسلامی ایران مرکز قیام و بیداری و انقلابی است که اولین هدف آن آزاد کردن بلاد اسلامی و امت اسلامی از یوغ سلطه ننگین کفر است" (۱۱). بعد است که این نظرات با نظر و عمل خمینی دقیقاً تطبیق می‌کند: "نفع نظام" و استفاده از حربه "آزاد کردن بلاد اسلامی" برای نامیدن این "نفع". این حرفها در شرایطی عنوان می‌شود که تضاد آمریکا و انگلیس با عراق شدت می‌یابد و آمریکا بی‌ها تحت شرایطی، به نزدیک شدن به رژیم تمایل نشان می‌دهد (۱۲).

در همین دوره است که لاریجانی نظریه خود را در مورد موقعیت جمهوری اسلامی به عنوان ام القرای جهان اسلام، که در دهه ۶۰، نام، رسالت در

نویسنده مقاله مذاکره مستقیم با آمریکا شروع و در حال انجام قلمداد کرده است. ۰۰۰ چنین فتواهایی از کسی که سالیان دراز در آمریکا سر برده و مفتسسون شیطان بر رکه شده دور از انظار است. ۰۰۰ اگر بسود لزوم حفظ احترام به ریاست جمهوری، لازم بود که بسا مرتکب این عمل، ام از نویسنده و درج کننده آن طوری دیگری برخورد شود. و امت حزب الله و خانواده‌های محترم شهیدای پروان واقعی امام عظیم الشان تکلیف خود را باین گونه عناصر به خوبی می‌دانند" (۱۴). در حالی که لاریجانی نظراتش را در همان زمان حساسات خمینی اعلام کرده بود (۱۵). این نماینده خط امامی نمی‌دانست می‌تواند پیش بینی کند که، به بسوروی از "امام عظیم الشان" پس از چندی هم خود او و همس پیروان دیگر خط امام کاملاً از صحنه جازومی شوند و باند بازار ارگانهای قدرت را یکی پس از دیگری تسخیر می‌کند. روزنامه رسالت در سرمقاله خود، در شماره ۱۱ اردیبهشت ۶۹، تحت عنوان "ضرورت تحرك در پیلماسی" به قلم محمد سرفراز، تا نکیه بر حرفهای خمینی که گفته بودند باید با دستیار رابطه برقرار کرد، مساله "تقسیم" را در روابط بین المللی پیش می‌کند و می‌نویسد: "در این جاموضوع برقراری رابطه با آمریکا، يك حساسات انحرافی است که می‌تواند در روند دیپلوماسی نظام اخلال ایجاد کند."

در تاریخ ۱۱ مرداد ۶۹، عراق کویت را اشغال نظامی می‌کند و بحران بزرگی در منطقه و در سطح جهانی آغاز می‌شود که يك فرصت طلایی برای رفسنجانی و پیشینها، نان او فراهم می‌آورد. عراق به سرعت از مواضع فیلسی خود، در رابطه با قرارداد ۱۹۷۵ انجراس، عقب نشینی می‌کند و برای جذب رفسنجانی به مذاکرات و نساهای نزدیک صادرات می‌رزد. در مقابل، رفسنجانی، با اتحاد يك سیاست دوگانه، در صدد بر می‌آید که از شرایط موجود بیشترین استفاده را برسد: از يك طرف برای غرب ناز و ادا در آورد و به اصطلاح گرافروشی کند و از طرف دیگر به عراق قول و قرار دهد تا از این طریق در جریان رشد نسها، بسنواست از شرایط موجود هر چه بیشتر به سود ایجاد حکومت اسلامی در عراق استفاده نماید. در ۲۶ دیماه ۶۹ عینکه متحدین با عراق آغاز می‌شود و پس از چهل و سه روز، با شکست ارتش عراق، پایسان می‌یابد. در این هنگام رفسنجانی، با دخالت مستقیم در عراق، ماهیت واقعی و نقشه خود را برملا می‌کند. بسا شکست این نقشه رفسنجانی، برول اعتبار او آغاز می‌شود. او، برای این که بسنواست این وضعیت بحرانی را با خطر هر چند کمتری کند، طی دو مرحله، در اتحاد با جناح بازار، به حذف خط امامسها از مجلس خبرگسان و مجلس ارجاع می‌پردازد. پس از استقرار مجلس چهارم ارجاع و قیام مردم شهرها، مشخص می‌شود که از امامزاده مجلس چهارم نه فقط معجزه‌ی ساختن بسست، بلکه شرایط هر چه بیشتر به سمت انجماد پیش می‌رود و بساست خارجی رژیم در تنگنای بیشتر قرار می‌گیرد. روزنامه رسالت که اکنون بیان کننده نظرات مجلس، روحانیت، مدرین، حوزه علمیه "قم، بازار و قوه قضائیه است، در مصاحبه‌ی با لاریجانیسی، دیدگاههای او را در مورد "جایگاه ایران در جهان و بررسی بحران کشورهای منطقه"، در شماره ۱۹ مرداد ۷۱ چاپ می‌کند. لاریجانی که اکنون نماینده مجلس، دبیر



کمیته سیاست خارجی شورایی عالی امنیت ملی و رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس ارتجاع است. در این مساحت می‌گوید:

"موقعیت جمهوری اسلامی در جهان اسلام بسیار ممتاز و منحصر به فرد است."

"اگر جمهوری اسلامی موفق شود یک کشور قوی و آباد و پیشرفته‌تری را بر اساس اسلام بنا کند، ایمن بزرگترین شکست برای دشمنان ایران خواهد بود."

"ما بیشتر نیاز به حاکمگری داریم، ما باید با حساب و درایت مسائل را پیش برد."

"ما راه‌های معقول و روش‌های کاملاً سنجیده سه سمت هدف برویم."

"ما در یک بازی بسیار سختی وارد هستیم که در آن برنده شدن شانس خوب و باختن هم شانس خوب دارد."

یعنی صورت بازی دارای یک پیچیدگی بالایی است."

"صدان‌های معارضه علیه ما، صدان‌های متعددی است، ۲۰۰۰ مردمان سازمانده شده است، ۲۰۰۰ تهاجم فرهنگی، ۱۰۰۰ تهاجم واقعی و تخریب کننده تسر از تهاجم نظامی است، ۲۰۰۰ تهاجم فرهنگی غرب تهاجمی است جهت تغییر نظام، ۲۰۰۰ میدان دوم، ۲۰۰۰ رشد و توسعه ایران است."

"من امروز تهدید امنیتی، که عدم استقرار در ایران ایجاد کند، از بیرون مرزهایم هستیم."

"ما مخالف هرگونه تغییر جغرافیایی هستیم، ۲۰۰۰ البته تجربه عراق بسیار چیزیدی است و وقتی است برای جهان اسلام، مادومست داریم یک عراق آباد با یک حکومت معقول، ۲۰۰۰"

"من معتقدم دولت ترکیه و ملت مسلمان ترکیه قابل این هستند که موقعیت خیلی خوبی در جهان اسلام داشته باشند، به شرط این که بدانند بخشی از جهان اسلام هستند، برای غرب ترکیه باید به چند قسمت تقسیم شود، نه این که ترکیه بزرگ شود، برای غرب هر قدر جهان اسلام کوچکتر شود، خطر کمتر است."

لاریجانی در این مساحت، علاوه بر عراق و ترکیه، در مورد افغانستان و بوسنی هم اظهار نظر می‌کند. او از این که متحدین در پایان جنگ دست رژیم را بر سر گونی حکومت عراق بازنگذاشتند، شکایت می‌کند و می‌گوید: "به نظرم دولتهایی که مسئول وضعیت عراق هستند و آنها را در امور عراق در برده‌خالت می‌کنند، آنها باید سرزنس شوند، برای این که نگذاشتند و مانع شدند مردم عراق حکومت خودشان را رقم بزنند، آنها را نگذاشتند، از این است که ما در این مساحت، در همین مساحت، در مورد بوسنی می‌گوییم که کنفرانس کشورهای اسلامی باید به مسلمانان بوسنی اجازه بدهد، و وقتی خبرنگار سوال می‌کند که اگر کنفرانس چنین امری را تصویب نکرد، آیا جمهوری اسلامی باید آنها را چنین کاری را انجام دهد؟ جواب مریخ نمی‌دهم می‌گوییم: "جهان اسلام متحدانید تصمیم بگیرد."

چندماه پیش از این مساحت، حکومت آمریکا سه دست دموکرات‌هایی افتد رژیم به شدت از این امر ناراحت می‌شود و در صدد جبهه بندی جدید و خنثی نمودن فعالیت آمریکا بر می‌آید. به طور مثال، وقتی مسالسه حقوق بشر در عربستان سعودی مطرح می‌شود، لاریجانی در سرمقاله روزنامه رسالت به تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۷۲

نحت عنوان "امریکا و حکومت سعودی"، می‌نویسد:

"ما بد فرض کرد که عملیات تغییر حکومت در عربستان و کویت و امارات توسط آمریکا آغاز شده است، او، بر اساس این فرض، سیاست و دیدگاه آمریکا را در رابطه با این کشورها چنین ارزیابی می‌کند: "کشورهای عرب منطقه باید نقش فعال تری در مقابل با اسلام داشته باشند، هیچ یک از این کشورها حاضر نیستند سیستم لائیک را رسماً اعلام کنند، به عکس رعایت شعار اسلامی در این کشورها قوی تر از سایر نقاط است، هنگامی که در این زمینه نسیم اسلام خواهی جدید، که از چشمه ایران اسلامی بلند می‌شود، دمیده شود، به آسانی دل و اندیشه امت مسلمان منطقه را جذب خواهد کرد" وی، ضمن اعلام این که "آثار تشنج ناشی از این سیاست سه هیج وجه کمتر از حرکت نظامی عراق در کویت نخواهد بود"، نتیجه می‌گیرد که: "دستگاه دیپلماسی ما باید خود را برای برخورد مدیرانه و حساب شده با چنین تشنج آفرینی وسیع در منطقه آماده کند و تعداد آن را سرای کشورهای علاقمند و موثر تشریح نماید، "این سیاست "مدیرانه" توسط وزیر امور خارجه رژیم بیگسری می‌شود، هر چند ماجرای "برائت از مرکیس" مشکلاتی در پیشبرد آن ایجاد می‌کند، اما خط اصلی منطق ما سیاست کلی رژیم است، برای حفظ نظام اسلامی، فعلاً می‌توان درام القرائی جهان اسلام از گناه فهد که خمینی اورا "احق" نامیده بود، گذشت و با او در مورد مسافعت مشترک لحظه‌ی در رابطه با آمریکا، هم‌سو شد، اما مسافعتی کاره جای بار یک کشیده شد، به شیوری کند از آن "نسیم اسلام خواهی" بیرون می‌آید، "ترجمه" آن ایران اسلامی است، هر چه بیشتر باز هم در جهت حفظ و بقای ام القرائی جهان اسلام - دمدم -

بدین ترتیب بر طبق آن چه که تاکنون بدان اشاره شد، باید نتیجه گرفت که محمود جواد لاریجانی سیاست گریبی است مدافع ولایت مطلقه فهد و مرجعی است طرفدار سرکوب اشکال مختلف مقاومت مردم ایران، که به طور قاطع از خطوط دیپلماسیک رژیم، که توسط خمینی ترسیم شده، دفاع می‌کند، او را محمد کسانسی است که از سیاست صدور بحران و سویمند دگرگانی اسلامی به خاطر حفظ نظام ولایت مطلقه فهد دفاع می‌کند، او یک خط امامی به معنای دموکرات است، اما در رابطه با توسعه اهل لغز، لاریجانی دنگ می‌کند که مسلمان خمینی نا لحظه مرکز امور بدان بر سده بود، روزنامه رسالت در شماره‌های ۲۶، ۲۷ و ۲۸ در مقاله "لاریجانی در جبهه" مجلس و بزوغ "نحت عنوان "مدارهای توسعه، خوداتکایی و سخن خصوصی" را تجدید چاپ می‌کند، او ضمن اسکت "وضعیت موجود را از نظر توسعه بسیار غم انگیز" می‌داند، پیشنهاد خود را مطرح می‌کند، رئیس نظرات او در این مساحت به قرار زیر است:

"در حالی که معتقدم، توسعه "دلیل حقانیت یک مکتب است، اما مسلمان می‌گویند حقانیت ما توسعه در تعارض است."

"امروز حیات سیاسی مادر جهان، به عنوان ام القرائی اسلام، در گرو توسعه یافتن است."

"لیکن ما هیچ گاه نباید در آرزوی محیط دوستانه جهانی باشیم و با برنامه‌های توسعه خود را برای اکتویزی سیاسی مسالمت آمیز، طراحی کنیم."

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که جمهوری اسلامی در سطح جهانی، نمایان سیاست توسعه‌ی که بر مسالمت مسالمت است، پیروی کند، یعنی باید مسالمت توسعه بر اساس بحران زایی قرار گیرد، اما "امروز حیات سیاسی" رژیم در گرو توسعه است، این توسعه باید بر اساس "راه خدا" باشد که اکنون در نظام ولایت مطلقه فهد نمود پیدا کرده است، او می‌گوید "راه خدا، اگر چه همه مردم دنیا بر علیه آن باشند، تنها راه نجات و تنها راه نجات است، بنابراین او پایه توسعه را تحکیم ولایت مطلقه فهد و بنیادگرایی و صدور بحران اعلام می‌کند و بر این اساس می‌گوید: "ما باید، به هر بهایی، به قدرت دفاعی موثر برای حفظ نظام خود در یک محیط سیاسی متخاصم دست بیابیم، طبیعی است رژیم که بخواد در خلاف "نظر همه مردم" حکومت کند و ضمن ایجاد دیکتاتوری مذهبی و سرکوبگرانه در داخل کشور، در سطح بین المللی به تقویت "قدرت دفاعی موثر" به هر قیمت، آن هم در یک "محیط سیاسی متخاصم" دست باید، باید سرکوب در داخل و صدور بنیادگرایی و بحران به خارج را اساس سیاست خود قرار دهد و از هر امکانی برای مسلح شدن هر چه بیشتر و هر چه "موثر تر" که از آن دست نیایی به سلاح‌های کشتار جمعی، از جمله سلاح اتمی، استنتاج می‌شود، استفاده نماید، ایمن، سیاستی است که رژیم هم اکنون بدان عمل می‌کند، در این جا این سوال پیش می‌آید که لاریجانی در این طرح هاش، به چه چیزی اتکا دارد؟ چون اکنون در صحنه داخلی "امت همیشه در صحنه" به "تهاجم فرهنگی" علیه رژیم مشغول است و از تظاهرات میلیونی هم جز چند صد جمعیت سوت و کور و چند هزار نفری به جانمانده است، دست به همین دلایل و در این شرایط است که لاریجانی، برای پیشبرد سیاست خارجی رژیم، معتقد است که:

"سیر به سوی توسعه، حرکتی مداری می‌طلبید و هر مدار "استقرار نظام" شرط غیر قابل خدشه آن است، لذا خوداتکایی، فرع بلا فصل این ویژگی و از ضروریات آن است."

"برنامه توسعه باید هدف دار باشد."

"کارهای بزرگ به دست مردان باهمت و نه الزام دولت" پیش می‌رود، وی در توضیح بکنه سوم طرح توسعه خود می‌گوید: "ما باید به توده مردم خود به عنوان سرمایه اصلی نگاه کنیم، در میان مردم ما استعداد های خلق، هم‌نهای بلند، دل‌های بزرگ و متهور و اندیشه‌های فوی و آماده رقابت جهانی وجود دارد، کارهای بزرگ باید به دست این گنج‌های پنهان صورت گیرد، توفیق برنامه‌ریزی ما نه اسرائیل حجم عظیم بودجه‌های عمرانی و پروژه‌های دولتی، بلکه در میزان توفیق در کشیدن بخش خصوصی ریشه دارانه دلال و کارچاقی کن‌آبه انجام کارهای بزرگ است، اگر تعارف‌های اولیه در مورد "توده مردم" را کنار بگذاریم، نکته کلیدی درک طرح توسعه لاریجانی اتکانه "بخش خصوصی ریشه دار" است که در واقع جناح بازار را، که اکنون حاکم است، شامل می‌شود، ایشان البته با ملاحظاتی احمقانه و با خود بزرگ بینی یک تازه به دوران رسیده از "دل‌های بزرگ" که "آماده رقابت جهانی" هستند، دم می‌زنند، اما ما مگر اکنون بخش خصوصی بر بسیاری از شاخه‌های اقتصادی کشور سلطه ندارد؟ لاریجانی چه چیز را می‌خواهد به

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان

از این چند اصل، که به وسیله لاریجانی بیگان



بخش خصوصی بدهد؟ او در تحلیل خود ابتدا نتیجه می‌گیرد که « برای این که در رقابت موفق شویم، باید در حوزه‌های محدودی که زمینه و امکانات و آینده روشنی داریم، نیرو و توان خود را متمرکز نماییم » و بر این اساس پیش‌بینی می‌کند که « در چنین شرایطی، به نظر من، صنعت نفت زمینه‌ی است که، با توجه به سابقه‌ی چهل ساله آن در ایران و ذخایر وسیع و اهمیت جهانی انرژی، می‌بایست محور برنامه‌های توسعه ما باشد. او ادامه می‌دهد: « این که می‌گوییم صنعت نفت باید هدف برنامه توسعه باشد، یعنی برنامه باید زمینه فعال شدن بخش خصوصی را در این حوزه‌ها مهیا سازد و برای جلب نظر آنان جاذبه‌های تشویقی بگذارد و در زمینه‌هایی مانند تحقیقات و آموزش، خود سرمایه‌گذاری اولیه را انجام دهد. از سوی دیگر این امر ایجاب می‌کند که منوئل دولت بر نفت از بین برود و مسلم این امر یک حرکت مهم و ریشه‌دار در اقتصاد کشور است.» (تأکیدات در تمام نقل قولهای اخیر از من است). واقعاً که اشتغالی‌تجار غارنگر بازار، می‌پایان است. او با طرح خصوصی کردن صنعت نفت روی دست آذری قمی هم بلند می‌شود و وظیفه دولت را تنها سرمایه‌گذاری در زمینه «تحقیقات و آموزش» در این رشته می‌داند. لاریجانی در واقع حرفهائی را که آذری قمی به شکل ساده و بدون تعارف بیان می‌کند، در شکلی پیچیده‌تر، تنوریزه می‌نماید و بدین ترتیب سیستم ولایت مطلقه فقیه را کامل می‌کند. ولایت مطلقه فقیه با نظرات لاریجانی، به یک سیستم کامل تبدیل می‌شود، غبارهای عدالت‌طلبی ارتجاعی و خرده‌بورژوازی را از خود می‌زداید و با انکار بر بخش خصوصی، که در پیوند با روحانیت قرار دارد، و با در دست داشتن حربه نفت، ام‌القرای جهل و جنایت را توسعه می‌دهد. ممکن است برای بعضی این سؤال مطرح شود که مگر اکنون که دولت آخوندی نفت را در اختیار دارد، به ولایت فقیه آسیب می‌رسد که باید برای توسعه آن را به بخش خصوصی واگذار نمود؟ برای آنان که سیاست ریگان و ناچر را دنبال کرده‌اند، پاسخ سؤال روشن است. لاریجانی می‌خواهد بهای بحران را از کیسه مردم برداشته و با تقویت تجارت بازار، که مدافعان سرسخت ولایت فقیه در شرایط کنونی هستند، پایه‌های نظام را مستحکم کند؛ مسلماً اگر به این هدف دست نابد، خواستار ایجاد ارتش خصوصی هم، که بتواند کاملاً در خدمت نظام ولایت فقیه باشد، خواهد شد. در آن صورت مسلماً سپاه پاسداران، آماده‌ترین نیرو برای خصوصی شدن خواهد بود. لاریجانی حساب مردم را هم کف دستشان می‌گذارد و به دولت توصیه می‌کند که: «به عبارت روشن‌تر دولت باید طرح‌های عمرانی و رفاهی عمومی را در مرحله دوم اهمیت بگذارد، مگر اموری که به دفاع و با بقای مردم [یعنی رژیم] ربط می‌یابد. اکنون کاملاً روشن می‌شود که دفاع روزنامه رسالت، آخوندهای قم و تهران و جناح بازار، این مرتجع‌ترین، هارترین و غارتگرترین بخش سرمایه‌داری ایران، از این آخوند بی‌خامه و این مرتجع بنیادگرا بیپوده نبوده است. شاید محمد جواد لاریجانی پشتیبان قوی‌تری نیز در کمپانیهای تسلیحاتی - نفتی در سطح بین‌المللی داشته باشد، اما بی‌بست رژیم در عرصه سیاست خارجی، مرضی نیست که با هیچ داری داخلی و بین‌المللی مذاوا شود. این بی‌بست از ذات سرکوبگر و تروریست رژیم ناشی می‌شود و اکنون که دیگر سیاست بحران‌زایی رژیم و آثار محرب آن در عرصه‌های مختلف بین‌المللی برای جهانیان آشکار شده است. هیچ راه حل و طرحی نمی‌تواند رژیم را از این بی‌بست و بحران خارج نماید. لاریجانی باید در حسرت رسیدن به روزی که طرح‌های رژیم را از بی‌بست خارج کند. بماند.

منابع

توضیحات:

۱- «جنگ ما، جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد» از پیام ۲۹ تیر ۶۷ خمینی، به مناسبت سالگرد بلوای مکه.

مانور مه‌رتایان

ارتش آزادبخش ملی ایران طی روزهای ۱۸ تا ۲۱ مهر به مدت چهارروز اقدام به یک مانور گسترده در سواحل مرزی ایران و عراق نمود. این مانور با سه کارگیری خودروهایی زرهی، توپ‌های دوربرد و هلی‌کوپتر انجام گرفت. خبرگزاری اسوشیتد پریس در ۲۱ مهر اسامی از قبول یک سخنگوی مجاهدین خلق اعلی صوفی گزارش می‌کند که: « ما برای عملیات نهایی علیه رژیم آساده می‌شویم. هر موقع که باشد. و این مانور نمایشگر قدرت فراسده ساسی باشد. - صوفی به اس خبرگزاری می‌گوید که برای اولی بار در این مانور از هلی‌کوپترهای نویندار و ترانسپورت استفاده شده است. فرماندهی کل اسس مانور برترک را خادم رفقه عباسی عضو ستاد فرماندهی ارتش آزادبخش ملی ایران به عهده داشت. خامس زهرا خاشانی. سبروهایی شرکت کننده در این مانور را فرماندهی کرده اس. همچس خادم‌ها تعداد اسسوی طالبانسی و محمدشاهرخسی از اعضای ارشد ستاد فرماندهی کل ارتش آزادبخش ملی ایران بر اجرای این مانور نظارت داشتند. سرگزار موفقت امیر مانور " مه‌رتایان" راه رزمندگان ارتش آزادبخش ملی اسران فرماندهان آن فرماندهی کل ارتش آزادبخش ملی ایران سرک می‌گوئیم.



۲- «ما این واقفیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین‌المللی اسلامیان بارها اعلام نموده‌ایم که درصدد گسترش نمود اسلام در جهان و کم کردن سلطه جهانخواران بوده و هستیم. حال اگر نوکران آمریکا نام این سیاست را توسعه‌طلبی و تفکر تشکیل امپراتوری بزرگ می‌گذارند، از آن یانی نداریم و استقبال نمی‌کنیم. مادر صد خشکابیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کموسیم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم، به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظامی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند، نابود کنیم» (همان جا). «... با صدور اسفلاسان، که در حقیقت صدور اسلام راستین و بیان احکام محمدی است، به سیطره و سلطه و ظلم جهانخواران خانه می‌دهیم» (از پیام خمینی به مناسبت مراسم حج ۱۰ مرداد ۶۶).

۳- «... اقتدار و اعتبار جمهوری اسلامی ایران متعلق به همه ملت‌های اسلامی است و دفاع از ملت قهرمان و دلار ایران در حقیقت دفاع از همه ملت‌های تحت ستم است» (همان جا).

۴- «... به یاری خداوند از قطرات پراکنده پیروان اسلام و امکانات کشورهای اسلامی باید استفاده کرد و با تشکیل هسته‌های مقاومت حزب‌الله در سراسر جهان ...» از پیام خمینی برای مراسم حج و برائت از مشرکین که منجر به بلوای مکه شد، کیهان ۱۰ مرداد ۶۶.

۵- همان جا، تأکید از من است.

۶- سخنرانی خمینی در دیدار با وزیر امور خارجه رژیم و معاونان او و جمعی از نمایندگان رژیم در ۱۱ آبان ۶۶، به نقل از کیهان ۱۲ آبان ۶۶، تأکید از من است.

۷- کیهان، ۲۲ مهر ۶۷.

۸- کیهان، ۲۶ مهر ۶۷.

رابطه با آمریکا

پرونده‌های باز نشده

آخوند موسوی اردبیلی در روز جمعه شانزدهم مهر در نماز جمعه تهران سه مساله رابطه سا امریکا اشاره می‌کند و می‌گوید: «این آقایون که نظرشون ایسه که ما یک قدم به سوی امریکا برسیم، عرض کردم تسلیم نکید، همکاری هم نکید. هرچسه می‌خواهد اسمش را بگذارد، بخورد دست، اسمش هم خورد دست. ما بخورد دست ما امریکا؟ بعضی می‌کنم بیاییم بکیم آفا سخشید، خیال می‌کند امریکا بکیم اومار می‌خشند و الا منخشه ۱۰۰ لان کفش اس حرف، کفره کسی این حرف را بزند، امریکا و عراق احساس ضعف در ما می‌کنند و اما آخرسن نفسمون را می‌کشیم دست از ما بر نمی‌دارند. ما اگر برسیم سا امریکا کارمون را کرده برنیم با امریکا مصالحه نکنیم، می‌دونید چی می‌شه؟ ما در تصمیم گیری درباره عراق سهیم می‌شویم، ما خیلی مساله داخلی داریم هسوزن تونسیم حل کنیم، پای خود شماها هم در میانه. من اگر یک وقت ضرورت ایجاب کرد، پرونده‌ها را می‌کنم بیرون و می‌کنم که چه پرونده‌هایی هست. اس کار چیه، این حرفها چیه. حالا احتمال ایسه انشاء الله خیلی هم نظر بدی نداشته باشند. شیطان گوشون زده، در توبه هم بازه و اینم بدوند. اگر بخواید اس حرکت را یک کسی ادامه بدهند، به رهبر اشاره می‌دهد. سه دولت اجازه می‌ده. مردم هم برای خودشان وظیفه خواهد دید.»

۹- همان جا.

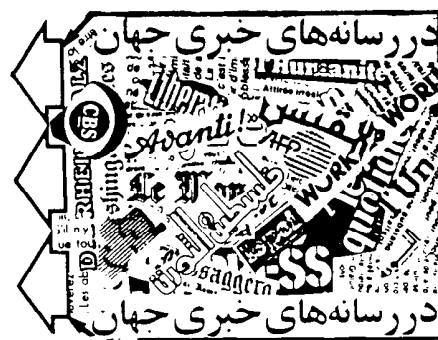
۱۰- «۱۱- رسالت، ۲۱ شهریور ۶۸، تأکید از من است.

۱۲- سعیدی سیرجانی در ستون «بگته» روزنامه اطلاعات در تاریخ ۳۰ مرداد ۶۸ مقاله‌ی می‌نویسد و ضمن تعلق و تعجید از رفسنجانی اعلام می‌کند که «راه مبارزه با آمریکا مشت گره کردن و شمار دادن نیست». این حرفها با عمل رفسنجانی که به هنگام معرفی کابینه، محتشمی را، به‌رغم توصیه اکثریت نمایندگان مجلس ارتجاع، از هیات وزیران کنار گذاشته است، تطبیق می‌کند.

۱۳- عطاالله مهاجرانی، در مقاله‌ی تحت عنوان «مذاکره مستقیم» در روزنامه اطلاعات به تاریخ ۶ اردیبهشت ۶۹ مساله رابطه و مذاکره با آمریکا را پیش می‌کشد و اعلام می‌کند که «ارتباط با آمریکا اگر مفید باشد، یک تکلیف شرعی است». به دنبال آن جنجال بزرگی به پا می‌شود که خامنه‌ای را مجبور به دخالت می‌کند. او ابتدا برای خواباندن گرد و خاکها، یک تو سری به مهاجرانی می‌زند ولی بعد از او تحلیل می‌کند.

۱۴- رسالت، ۱۳ اردیبهشت ۶۹.

۱۵- «در مورد روابط دیپلوماتیک دو چیز جدید مشهود است. یکی این که ایران تا به حال با جوامعی که حال مذاکره می‌کند، صحبت نمی‌کرد... تمام این تحرکات نیز با نظر امام بوده است. ... واحد نهضت‌های ما درخور و شایسته حرکت انقلاب نیست، البته ما در حد توان خود سعی کرده‌ایم که به تشکیل واحدهای مقاومت حزب‌الله اقدام کرده ولی گاهی نیاز داریم، برای این که واحدهای مقاومت شکل بگیرند، روابطی را با دولتها برقرار نماییم. لاریجانی، معاون امور بین‌المللی وزارت خارجه، کیهان ۱۷ آبان ۶۶.



عمر عبدالرحمان ، عقدہ رژیم خمینی

مجله الوسط شماره ۷۶

لندن - تاریخ ۱۲/۷/۱۹۹۳

ترجمه از مرده

مفاسه بین عبدالرحمن و خمینی مقاسه‌ای بسیار سطحی و در شکل است. در حالی که هر دو چهره‌ای سفیدی می‌باشند اما شیخ ناسبانی‌تواند خمینی مصر باشد نه از آن جهت که مصر با ایران فرق می‌کند بلکه به این خاطر که وقتی شیخ مدنی قبل خود را تسلیم مقامات امریکایی نمود قاهره از امریکا خواست که وی را جهت محاکمه به مصر استرداد نماید و این نشان دهنده تفاوت شخصیت این دومی باشد.

خمینی تنها یک فرد نبود بلکه ماحمل عوامل متعددی در مجمله ارکانهای مذهبی که دارای نفوذ سیاسی و مستقل از حکومت حرکت می‌کردند بود که دارای ادارات اقتصادی و مالی مانند مدارس و کانونهای آموزشی، ساختمان‌های متعدد علاوه کمکهای مردم و خمینی و رزاکت که این همه در خدمت تداوم و تحکیم رابطه بین خمینی با عنوان مرددینی با مردم کوچک و بازار بود که این رابطه توسط مساجد و حوزهای دینی با مراسم و ایجاد مذهبی صورت می‌گرفت و ارکانهای مذهبی در ایران قدرتی برابر با قدرت دولت مستقل از آن ایجاد کرده بودند که نتوانست نده ریادی از گروههای مختلف مردم را بخود جذب نمایند و این موجب تضعیف حکومت شد. یکی از دلایل سقوط شاه این بود که مردم به صورت گروه‌های عظیم در مخالفت با شاه به خیابانها می‌آمدند. خمینی عنصر وحدت تمام گروه‌های تند رو اسلامی در مراکز دینی بود، در ضمن او توانست گروه‌های دیگر مخالف شاه را بر سره سمت خود کشاند مثل مهدی بازرگان و با از مجاهدین خلق و حزب کمونیست تا کردها. و در این رابطه نتوانست بود حکومت سلطنتی را زیر سوال برده و از آن تصویری بعنوان دشمنی همه ملت‌ها و گروه‌های ایرانی بویژه برای روشنفکران و تجدیدطلبان ارائه دهد. اما هیچیک از آن شرایط و بویژه کمپانی که در ایران آموغ بود اینک در ضرورت وجود ندارد. علاوه اینکه هیچیک از خصوصیات خمینی در عبدالرحمان یافت نمی‌شود. موسسات دینی در مصر از زمان محمد علی پاشا وابسته به دولت بوده و هیچ موقع استقلال نداشته و مانند همه وزارت خانه با اداره دولتی دیگر تحت نظر حکومت اداره می‌شوند هر چند که فشارها و بحرانهای اقتصادی باعث شد چند موسسه دینی بیا

مدیریت غیر دولتی اجازه تاسیس و فعالیت بگیرد اما اوضاع هیچگاه به آن حد نرسید که مخالفین دولت است اچه بنیادگر او با غیره است و نتوانست به این موسسات تسلط یابند و حتی این موسسات (با مدیریت غیر دولتی) هیچ گاه از نظر اعتبار و سطح فعالیت به خدمت‌سازان مشابه دولتی نرسیدند. البته این موسسات در موردی نتوانستند تعدادی را بخود جذب نموده. بویژه از مناطق فقیرنشین اما، او لایساریراکنده بودند و در ثانی خلا، حضور یک رهبری که مثل خمینی همگان اتوریتسه وی را بپذیرند و قدرت فقهی محسوب شود بسیار برجسته بوده است. "فهمی هویدی" متفکر و نویسنده اسلامی معتقد است بین خمینی و عبدالرحمان نمیتوان مقاسه نمود. خمینی رهبر مردم بود و نه رهبر یک گروه. ارزش خمینی بعنوان مرجع در مذهب شیعه بایک روحانی در مذهب سنی تفاوت زیادی دارد. اوضاع فعلی مصر را اوضاع ایران در زمان انقلاب متفاوت است چرا که ایران روابط بسیار نزدیکی با امریکا داشت و این برای مردم قابل قبول بود و ضمناً موسسات دینی با حکومت دائماً در تضاد بودند. در حالی که اکنون در مصر تضاد بین حکومت و اکثریت و حتی حکومت با گروه اخوان المسلمین که هسته مرکزی اسلامی هادرمصر است نیز تضاد دارد.

بماهمه اینها یک اختلاف بزرگ بین اسلام شیعی که خمینی به آن معتقد است با اسلام سنی که عبدالرحمان پیرویش می‌باشد وجود دارد. در مذهب شیعه به خمینی همانند نایب مهدی مینظر می‌گرسند و این طرز تفکر در اسلام سنی وجود ندارد. در افکار و تفاسیر سنی دو اعتدال (رحمان سنی او خمینی شیعه) نیز می‌توان مقایسه سطحی نمود. خمینی تاریخ سنی طو لانی دارد. از تبعید وی به عراق و سپس فراسه دیندوی سنی به مسائل عمومی بسیار روشن بود و او در سخنرانی‌ها و کتابهای بسیار و بعد هم در وصت نامه‌اش که اکنون در ایران از آن بعنوان برنامه عمل اسلامی یاد می‌شود منعکس است.

اما عبدالرحمان دارای افکار مسلمان و مشوش است مثلاً از وی پرسیده شد که: تا آنکه حودت بنوای جهاد با غرب را می‌دهی چرا خودت در امریکا بزرگترین دولت غربی زندگی می‌کنی؟ جواب داد: این رومی که من روی آن زندگی می‌کنم رومی امریکاست بلکه رومی خدات.

اما کار دیگر در پاسخ به یک فرد دیگر گفت: "مسئله نمی‌توانم به قوایس امریکا احترام نگذارم چون در امریکا زندگی می‌کنم."

عبدالرحمان ضمن آنکه نمی‌تواند آن گروه‌هایی که حول خمینی جمع شدند را حول خودش جمع کند خودش عامل اصلی جدایی و استعاب در گروه‌های ایورسیون مصر، اول در گروه‌های سنا دگر او دوم گروه‌های مجدد و تندرو می‌باشد.

بزرگترین اختلاف بین (جماعت اسلامی) که عمر عبدالرحمان رهبر آن است با جهاد، مسئله رهبری می‌باشد و همین اختلاف مانع رشد و نفوذ این گروه‌ها در بین مردم گردیده.

دور از بهای اعمال خشونت آمیز، تنها گروه قدرتمند اسلامی در مصر (اخوان المسلمین) است که ریشه‌اش در مصر است و در خارج از مصر هم تاثیر و نفوذ دارد. این گروه با فرهنگ و رهبران خاص خودش و با

کنترلی که روی اتحادیه‌ها دارد می‌توان رسته و نفوذ آن را در جامعه دید. در ضمن این گروه با دیگر جریسات ایورسیون نیز دارای رابطه می‌باشد و صنایع مالیستی مستقل خود را نیز دارد.

اخوان المسلمین با عمر عبدالرحمان اختلاف عقیده دارد و این اختلاف هم در ظاهر است و هم در مضمون. زمانی که عبدالرحمان فنوا صادر کرد که نظامیان علیه حکومت قیام کنند (ماورن همیسی) از سران اخوان المسلمین اعلام کرد ماهم در ظاهر و هم در باطن با عبدالرحمان اختلاف داریم.

عکس العمل حکومت در برابر اقدامات عبدالرحمان که گاهاً عقب نشینی محسوب می‌شود به نفع اخوان المسلمین تمام می‌شود. شیخ باسنا ساکارهای خود مردم را بطور غیر مستقیم به سمت اخوان المسلمین سوق می‌دهد و این معنی آن را دارد که شیخ ضربه را می‌زند و اخوان المسلمین سودش را می‌برد و این حتی در همین لحظه هم جریان دارد که بازی زیرکانه‌ای از طرف اخوان المسلمین است. شیخ اجرا می‌کند و بهایش را خود و بیارانش می‌پردازند، اما منافع آنرا اخوان المسلمین به جیب می‌زند.

در حال مقاسه بین خمینی و عبدالرحمان ناشی از مقاسه بین دو کشور کهن در خاور میانه (ایران و مصر) است و این مقاسه نازکی ندارد همچنانکه در زمان شاه و او از رهبران اسورسات از طرف غرب و امریکا این مقایسه بطور علنی ابراز می‌گردید. این مقایسه تنها زمان حاضرین ملایان حاکم بر ایران و تندروهای خواهان حکومت در مصر ادامه پیدا کرده و کسانی که این مقایسه را انجام می‌دهند مسائل از قبیل اوضاع مصر در حال حاضر، از دیدگاه و بهای تندرو در ضرورت خورد هم و درگیر بهاد استگاه امنیتی و پلیس اشاره می‌کنند.

هر چند اختلاف بین موسسات مذهبی ایران و مصر بسیار واضح است و هیچ شانه‌ای بین خمینی و عبدالرحمان وجود ندارد بلکه اختلاف ذاتی بین حکومت شاه در ایران و حکومت فعلی مصر نیز وجود دارد که آنهم از لحاظ آزادی بیان و اظهار عقیده می‌باشد که شامل تمام گروه‌های مصری می‌گردد اعم از بنیادگر و غیره. سعی برای طرح عقاید و نظرات، حکومت مصر این حق را برای آنها قائل است که نظرات خود را راجع به همه مسائل اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بیان نمایند. اینها گفته یک خام آکادمیسی مصری است و وی اضافه می‌کند حکومت شاه دیکتاتوری مطلق بوده و همسئ اختلاف بزرگ میان ایران زمان شاه با مصر فعلی است. بقول یکی از فلاسفه تاریخ دوبار تکرار می‌شود. بار اول تراژدی و بار دوم بصورت کمدی.

بیوگرافی عمر عبدالرحمان

عمر عبدالرحمان در تاریخ ۱۹۳۸/۵/۲ در شهر (قهلبه) مرکز (مزیله) محله جمالیه از پدر و مادر فقیری متولد گردید. وی از طفولیت در فقر زندگی کرده و خوابیدن روی زمین برایش عادی می‌نماید. ده ماه پس از تولد نابینا گشت. به دایی اش کسی که اولین بار قرآن را به وی آموخت علاقه زیادی داشت. از بدین حالگی به "کانون نور" مخصوص نابینایان رفت و در آنجا در صفحه ۱۰

سفر فلاحیان به آلمان

از صفحه ۱

میکوینور در سپتامبر سال گذشته در برلین می‌نماید " سفر فلاحیان به آلمان علاوه بر اینکه با اعتراض شدید و افشاکاری های گسترده مطبوعات آلمان روسرو و شد. مورد اعتراض دولت های انگلیس و آمریکا قرار گرفت. خبرگزاری فرانسه در تاریخ ۲۱ مهر امسال می‌نویسد: "بک سخنگوی وزارت امور خارجه انگلیس ضمن تأیید اینکه سفیر آلمان در انگلیس احضار شده است. یادآوری نمود که دوازده کشور عضو جامعه اقتصادی اروپا سال گذشته یک متن مشترک در رابطه با روابطشان با ایران و خواسته آنها برای مبارزه علیه تروریسم را امضا نموده بودند. این سخنگو افزود این متن خاطرنشان می‌کند که هرگونه دیالوگ با ایران بایستی مشروط به بهبود وضعیت حقوق بشر و ملغی شدن فتوای محکومیت مرگ سلمان رشدی گردد." هم چنین خبرگزاری رویترز تاریخ ۲۳ مهر امسال گزارش نموده که: "امریکا روز جمعه قدم غیر معمولی را در اعتراض غنی به دیدار فلاحیان ازین برداشت. ماکگوری سخنگوی وزارت خارجه به خبرنگاران گفت که اگرچه آمریکا و آلمان متحد یکدیگر در ناتو. اهداف مشابهی را در سیاست خود در قبال ایران بایکدیگر سهیم اند. اما آمریکا قطعاً درباره اختلاف برخورد های آمریکا و آلمان در راه تغییر رفتار ایران. نگران است." ماکگوری گفت: "ما از این نگرانیم که دیالوگ آمیخته با روابط تجاری گسترده آلمان و طرز برخورد مطلوب مالی آن. امکان دارد این طرز رفتار در ایران احساس کند که می‌تواند بدون تغییر رفتار مناسبات خود را با غرب بهبود دهد." وارن کریستوفر هفته گذشته این مساله را با کلاس کینکل وزیر امور خارجه آلمان مورد بحث قرار داد و اطلاعات امنیتی نا وارد بدیل کرد. ماکگوری گفت آمریکا می‌تواند از آلمانی ها اطلاعات بیشتری در رابطه با دیدار اخیر فلاحیان این خواسته‌اند و تأکید ورزیده‌اند که تحت کنترل در آوردن ایران یکی از سا اهمیت ترین مسائل دستور کار کریستوفر است. خبرگزاری رویترز در ۲۳ مهر امسال گزارش می‌دهد که: "داکلاس هر دو روز خارجه انگلیس برای سومین بار در این هفته اعتراضات مربوط به کشور منوش سسه گفتگوهای آلمان با رئیس اطلاعات ایران را مطرح کرد و پیام "مربحی" را به طرف کلاس کینکل همتای آلمانی خود تلیک نمود. رویترز می‌افزاید: "مربح" کسب دیپلماتیک برای پیام "شدید الحس" است. با توجه به مسائلی که ذکر شد. معلوم می‌شود که دولت آلمان در رابطه با قبول مسافرت فلاحیان سه آلمان. دچار یک خطای فاحش و یک پیمان شکنی نسبتاً متحدین اروپایی خود شده و مسلماً عوارض منفی دیگری نیز برای دولت آلمان در رابطه با متحدینش خواهد شد. این مسافرت همچنین با تدفیر و این جازایر ایرانیان مقیم خارج از کشور روبرو شد و مسئول شورای ملی مقاومت ایران آن را به شدت محکوم نمود.



عمر عبدالرحمان، عقده رژیم خمینی

از صفحه ۹

قران و بوشتن به خط بریل را آموخت. در یازده سالگی قران را از حفظ می‌دانست. پس از آن به شهردمیاط و یک / کانون دینی (المصور) منتقل شد و پس از پنج سال مدرک متوسطه (الزهر) را با مقام اول در سال ۱۹۶۰ گرفت. زمانی که دوره متوسطه را می‌گذراند در رشته ادبیات عربی با علوم دینی. اصطلاحات و مباحثه را نیز در سطحی بالا فرا گرفت. سیر به دانشگاه اصول دین قاهره رفت و از آنجا به عنوان دانشجوی ممتاز فارغ التحصیل شده و توسط وزارت اوقاف استخدام و به عنوان امام مسجد روستای قدیم در شهر موم مصوب گشت. در این زمان به بحث تحولات عالیله منتقل شد و از آنجا شروع لسان گرفت. "تر" وی درباره ماههای حرام می‌گوید. همانجا بود که باعلی‌الزهر مثل عبدالعظیم عباس و احمد سید کریمی که وی تحت نظر آنان ترش را تهیه نمود تماس گرفت. سال ۱۹۶۸ مهم‌ترین سال زندگی عبدالرحمان می‌باشد. این سالی است که خطبه‌های وی رنگ و بوی سیاسی می‌گیرد. وی جمال عبدالناصر را به فرعون تشبیه می‌کند به این خاطر طرف دولت و هم چنین مدیریت الازهر تهدید به دستگیری و اخراج می‌شود تا آنکه در تاریخ ۱۳/۶/۷۰ وی به دلیل اینکه همان‌جا ازین برجازه عبدالناصر اجرام می‌کند دستگیر و به زندان قلعه آکه اکنون موزه پلیس می‌باشد) منتقل و پس از هشت ماه بازداشت در ۱۰/۶/۱۹۷۱ آزادی می‌شود. بازگشت وی به مبارزات اخذ مفرک دکتر است که در جلسه تنها استند مربوطه حضور دارد و هر چو یک مرامی برگزار می‌شود. "ساله اش" موضع فرمان در قبال دشمنان و سفیر سوریه تویه "است" وی مادر حبه ممدار مدرک دکتر و کرسی اسنادی در دانشگاه. بخش "اصول دین" را به دست می‌آورد. در سال ۱۹۷۷ که به یک کشور عربی رفته و تا سال ۱۹۸۰ در آجایی ماند. در همین سال برای اول بار با گروه جهاد ارتباط گرفت و فتوای کشش انور سادات را صادر می‌نماید. تعداد سرور سادات زمانی که عبدالرحمان در مسجد آدم در غس الشمس بود دستگیری می‌شود. اما در تاریخ ۲/۱۰/۱۹۸۲ در دادگاه ترش می‌شود. عمر عبدالرحمان سه همسر و فرزند دارد. او بر طریقی در رابطه با سرور سادات بود که وی به طور غلی برای مردم شناخته شد. او نظر سازمانی وابسته به خط "بخش روستایی" گروه‌های سید ر وی اسلامی شناخته می‌شود. وی از تنها رهبران اسلامی است که استواوزی ثابت. برنامه و شخصیت مستقلی دارد که با مسائل خاص و معینی برخورد می‌کند و این خصوصیات وی را از دیگر رهبران اسلامی متمایز می‌نماید. وی با کسب درجه مورد منجم شده است:

- ۱- در سال ۱۹۸۱. عضویت در سازمان مخفی دینی که با نوسل به روز ممد داشت حکومت را سرکون کند.
- ۲- در سال ۱۹۸۵ به انهام ممد ساداتی حکومت.
- ۳- در سال ۱۹۸۹ به انهام راه اندازی تظاهرات و انتشار اطلاعات سری دولت. وی از هر سه انهام وارده توانست در دادگاه حکم برائت بگیرد.

عمر عبدالرحمان چهار کتاب دارد که برای اعضای گروه‌های اسلامی به مثابه ادبولوجی. استراتژی

به دنبال سلاح اتمی

خبرگزاری اسوشیندیرس در تاریخ ۱۵ مهر امسال از ترکیه خبر کشف ۲/۵ کیلو اورانیوم را مخابره نمود. در این خبر گفته شده است که: "پلیس ترکیه ۲/۵ کیلوگرم اورانیوم غنی شده به مقصد ایران را توقیف نموده و چهار مامور سرویس مخفی ایران را به همراه چهار تاجر ترک در استانبول دستگیر کرده است. روزنامه ملت که این خبر را اعلام کرد گفت که این اورانیوم از نوع فوق العاده غنی شده بوده است که به نظر می‌رسد از روسیه به طور قاچاق وارد ترکیه شده است. ملت اسامی ایرانیان دستگیر شده را محمد سیدی. داوود احمدی. حسین شهراسی و فردی که اسم کوچکش سردار است اعلام کرد. به نوشته ملت هر گرم از این اورانیوم توقیف شده چهل هزار دلار ارزش دارد." رادیو آمریکا طی خبری در این رابطه گفت که کارشناسان هسته‌ای می‌گویند این اورانیوم کلاسیک از چند هزار دلار نمی‌ارزد. به گفته رادیو آمریکا وی بی‌بی‌سی براساس تحقیقات آزمایشگاهی در ترکیه معلوم شده است که این اورانیوم به حدی غنی شده که قابل استفاده در اسلحه هسته‌ای باشد." به گفته همین منابع. مع یک خشکی شمارت رژیم در آنکارا هرگونه اتهام مسمی دست باسی رژیم به سلاح هسته‌ای را تکذیب کرد. در همین حال رادیو رژیم در برنامه روز ۱۴ مهر خود اعلام کرد که: "سفیر ترکیه در تهران امروز با سرور سادات معاون آنا واقفانوسه وزارت خارجه دستار کرد. در این دستار اخبار روزنامه‌های ترکیه مورد مسئله ساختگی انفال اورانیوم به ایران یک نوظنه طراحی شده برای بدنام کردن جمهوری اسلامی و خرابی روابط دو کشور عنوان شد."

در تکمیل روتوزیع آثار سازمان بکوشید

و برنامه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- ۱- مشتاق عمل اسلامی ۲- انواع حکومت ها ۳- حکومت و ضرورت روبروئی با آن ۴- کلمه حق
- دیدگاه‌های ایدئولوجی عمر عبدالرحمان در پنج دستکته خلاصه می‌شود:
- ۱- کافر بودن حکامی که از شریعت خدا پیروی نمی‌کنند.
- ۲- واجب القتل بودن کسانی که منکر شریعت می‌شوند.
- ۳- مجاز بودن اعمال زور در جهت تغییر اعمال غیر شرعی (نهی از مذکر)
- ۴- تحریم پارلمان و احزاب سیاسی غیر مذهبی.
- ۵- لزوم زمامداری به صورت شورایی.

رژیم آخوندی و جام جهانی ۹۴

تعقل

به گزارش خبرگزاری رویتر موسوی اردبیلی - روابط، حسنه با امریکار اغیر محتمل شمرده و "نخواهای- شوم" سازشکاران که خواستار مذاکره در رابطه با امریکاهستند را تفسیح می‌کند. رویتر این گزارش را در روز ۲۲ مه‌امسال پخش نمود و اضافه کرد که "امسا حبیب الله عسکرا ولادی عضو ارشد مجلس گفت بسا وجودی که این بحث ممکن است مهمات تبدیلیاتی بدگویان را فراهم آورد. باید اجازه داد ادامه یابد." رویتر از روزنامه رسالت حرف‌های عسکر اولادی را گزارش می‌کند که در آن عسکرا ولادی نوشته بود: "اگر فردی یا افرادی از رابطه با امریکا دفاع کند، ما باید به جای آن که اتهام و بیزبب بزنیم، از این موقدست استفاده کرده و فرصت یادگیری و تعقل را از راه بحث و برخورد عقاید برای نسل جوان فراهم کنیم." عسکر اولادی حالا که مساله رابطه رژیم با امریکا به نقطه حساس رسیده از "تعقل" و "بحث و برخورد عقاید" صحبت می‌کند و به مردم و جوانان نمی‌گوید که چرا در بقیه موارد رژیم تحمل بحث را ندارد.

برخی از رویدادهای تاریخی

۱۲ صفحه ۱۲
 ا نوامبر ۱۹۵۲ - آغاز قیام مسلحانه مردم الجزایر علیه نیروهای اشغالگر فرانسوی
 ۲ نوامبر ۱۹۵۰ - درگذشت جرج برناردشاو نمایشنامه نویسی و بسینده بررکد ایرلندی
 ۴ نوامبر ۱۹۸۴ - برگزاری اولین انتخابات دموکراتیک عمومی در نیکاراگوئه و پیروزی جنبه ساندینیست در این انتخابات
 ۷ نوامبر ۱۹۱۲ - پیروزی انقلاب سوسیالیستی در روسیه و ایجاد کشور اتحاد شوروی
 ۱۰ نوامبر - روز جهانی جوانان
 ۱۰ نوامبر ۱۹۴۵ - تشکیل فدراسیون جهانی جوانان دموکرات
 ۱۱ نوامبر ۱۹۷۶ - پیروزی مردم انگولا بر استعمارگران پرتغالی و تاسیس جمهوری خلق آنگولا
 ۱۷ نوامبر - روز جهانی دانشجو

آنچه مسلم است اکنون در جامعه ایران استعدادهای درخشان ورزشی وجود دارد که رژیم آخوندی مانع سرور و شکوفایی آن است. همانطور که گفتیم نسل جوان و جوان ایران بطور چشم گیری به ورزش ابراز تمایل نشان می‌دهد و از این زاویه به مقاومت در مقابل آخوندها مصادرت می‌ورزد. در فرادای ایران، هنگامی که حکومت آخوندها سرنگون می‌شود، این استعدادها درخشان امکان بروز شکوفایی خواهند یافت. رژیم آخوندی نمی‌تواند در این شرایط از مسابقات جام جهانی فوتبال سو استفاده کرده و خود را حامی ورزش نشان دهد. کارنامه رژیم در این زمینه مانند سایر عرصه بسیار سیاه تر از آنست که بشود با تبلیغات و عوامفریبی آخوندی آن را مثبت نشان داد.

می‌دهد و برزیل موفق می‌شود برای سومین بار قهرمان جام جهانی فوتبال شود و بنابراین جام ژول ریمه برای همیشه در برزیل می‌ماند و همچنین پله بازی کن محبوب برزیل با این بازی، بابازی های جام جهانی خداحافظی می‌کند. در سال ۱۹۷۴ دهمین دور مسابقات جام جهانی فوتبال در آلمان برگزار می‌شود. تیم آلمان با نتیجه دو بریک تیم هلند را شکست می‌دهد. گل پیروزی را گرومولر به ثمر می‌رساند و علاوه بر این پیروزی، گرومولر با زدن چهارده گل، رکورد گل زنان تاریخ جام جهانی فوتبال را متعلق به خود می‌کند. در سال ۱۹۷۸، جام جهانی فوتبال در آرژانتین برگزار می‌شود. در این مسابقات برای اولین بار تیم فوتبال ایران می‌تواند شرکت کند. حکومت آرژانتین به انحاء مختلف از این مسابقات بهره برداری می‌نماید و بالاخره تیم آرژانتین با پیروزی بر هلند، صاحب جام جهانی فوتبال در این دوره می‌شود. در سال ۱۹۸۲ مسابقات جام جهانی در اسپانیا برگزار می‌شود. تیم ایتالیا با نتیجه سه بریک تیم آلمان را شکست می‌دهد. در ۱۹۸۶ سیزدهمین دوره جام جهانی در مکزیک برگزار می‌شود. در بازی نهایی آرژانتین تیم آلمان را با نتیجه سه بر دو شکست می‌دهد. مارادونا اعجوبه فوتبال جهان در این دور بازی‌های درخشند. چهاردهمین دور مسابقات تیم کامرون به عنوان یک ظهور جدید از فوتبال افریقا مشهور می‌شود. در سازی نهایی تیم آلمان در مقابل تیم آرژانتین جام جهانی فوتبال را تصاحب می‌کند. و بالاخره با برد هفتمین دوره بازی های جام جهانی فوتبال در سال آینده در امریکای برگزار می‌شود. در شرایطی که بازی های مقدماتی این دوره جام جهانی جریان دارد آخوندها می‌خواهند این گونه وانمود کنند که برای تقویت تیم فوتبال و راهیابی آن به مسابقات جام جهانی، اقدامات موثر انجام می‌دهند. ولی کیت که ندانند رژیم آخوندی بیش از هر عامل دیگری به ورزش در ایران ضربه وارد کرده و تلبرغم محبوبیت فوتبال در جامعه ایران و کشش جوانان به سمت این بازی و زمینه‌های مساعدی که با تقویت آن می‌توان نتایج ارزشمندی برای ورزش ایران به وجود آورد، آخوندها با اقدامات ارتجاعی خود به فقط به ورزش فوتبال، بلکه به طور کلی به امروز ورزش ضربه‌های سنگین وارد کرده‌اند. با این وجود کشت به ورزش و دنبال کردن مسابقات ورزشی و ابراز تمایل به ورزش های گوناگون در نسل جوان در جامعه ما بسیار رشد و گسترش یافته و به مثابه یک نوع مقاومت در مقابل آخوندها بکار می‌رود. تردیدی نیست که با سرنگونی رژیم حاکم بر میهن ما، امکانات رشد و شکوفایی ورزش ایران بیش از پیش فراهم می‌شود.

مقاومت ایران به مساله ورزش در ایران توجه خاصی دارد. تاکنون بسیاری از ارزنده‌ترین ورزشکاران ایران در مبارزه علیه رژیم خمینی به شهادت رسیده‌اند. شمار کثیری از ورزشکاران ایران در جنبه مقاومت به مبارزه خود ادامه می‌دهند و تعدادی از ارزنده‌ترین چهره‌های ورزشی ایران عضو شورای ملی مقاومت ایران هستند. یکی از کمیسیون‌هایی که به پیش نهاد مسئول شورای ملی مقاومت برای بررسی مسائل ایران بدون حکومت آخوندی ایجاد شد، کمیسیون ورزش می‌باشد.

سال آینده پانزدهمین دوره مسابقات جام جهانی فوتبال در امریکای برگزار می‌شود. رژیم خمینی دست به یک سلسله تبلیغات و عوامفریبی زده تا خود را مدافع پیشرفت ورزش نشان دهد. رژیم استکونته تبلیغ می‌کند که شرایط را برای پیروزی تیم فوتبال در مسابقات مقدماتی فراهم آورده است. اما همه می‌دانند که رژیم آخوندی بعننت ماهیت ارتجاعی آن و بعننت عدم توجه به مسائل اساسی، هرگز قدمی مثبت و موثر در راه پیشرفت ورزش در ایران برنداشته و علاوه بر آن با فشار بر نسل جوان و سوجوان میهن ما، مانع بروز استعداد های بهفته در جامعه ما شده است. اکنون رژیم در صدد است تا با توجه به علاقه‌ای که مردم ایران به ورزش فوتبال دارند، خود را همسوا علائق مردم نشان دهد. در حالیکه رژیم هیچ برنامه مشخصی و درازمدتی برای شرکت در اینگونه مسابقات که به علت اهمیت آن مستلزم برنامه ریزی صحیح و درازمدت برای راه یابی به آن است، ندارد. در مسابقات جام جهانی فوتبال طی چهاره دوره گذشته تیم ایران تنها در یک دوره توانست در آن شرکت کند.

اولین جام جهانی فوتبال در ۱۹۳۰ در اروگوئه برگزار شد و تیم اروگوئه با بازی نهایی خود در مقابل آرژانتین با نتیجه چهار بر دو برنده جام جهانی می‌شود. دومین دوره این بازی هادر ۱۹۳۴ در ایتالیا برگزار می‌شود و در این بازی ها که تحت حکومت فاشیستی موسولینی انجام می‌گیرد، با اعمال نفوذ سیاسی، ایتالیا برنده جام جهانی می‌شود. سومین دوره در ۱۹۳۸ در فرانسه برگزار می‌شود. در این دور ایتالیا یک بار دیگر با نتیجه چهار بر دو تیم مجارستان را شکست داده و قهرمان سومین دوره جام جهانی فوتبال می‌شود. در ۱۹۵۰ چهارمین دوره جام جهانی فوتبال که به علت جنگ جهانی دوم برای دو دوره برگزار نشده بود، در برزیل برگزار می‌شود. بازی نهایی با حضور دو ست هزار تماشاچی در ماراکانا بزرگه ترین ورزشگاه جهان برگزار می‌شود و تیم اروگوئه با نتیجه دو بریک تیم برزیل را شکست می‌دهد. تعداد تماشاچیان این بازی در تاریخ فوتبال بی نظیر و هرگز تکرار نشده است. پنجمین دوره مسابقات جام جهانی فوتبال در ۱۹۵۴ در سوئیس برگزار می‌شود و تیم آلمان با نتیجه سه بر دو تیم مجارستان را شکست داده و جام جهانی فوتبال (جام ژول ریمه) را تصاحب می‌کند. دوره بعدی در سال ۱۹۵۸ در سوئد برگزار می‌شود. بازی سازی پله در نیم برزیل تمام توجه را به این تیم جلب می‌کند و در انجام برزیل با نتیجه پنج بر دو سوئد را شکست داده و قهرمان این دوره جام جهانی می‌شود. هفتمین دوره جام جهانی فوتبال در ۱۹۶۲ در شلی برگزار می‌شود. برزیل با نتیجه سه بریک تیم چکسلواکی را شکست می‌دهد و مقام قهرمانی جام جهانی را برای دومین بار کسب می‌کند. در ۱۹۶۶ مسابقات جام جهانی در انگلیس برگزار می‌شود و تیم انگلیس بسا شکست تیم آلمان قهرمان جام جهانی می‌شود. در این دور بازی ها، اوزمبو به عنوان یک ستاره درخشان فوتبال با زدن نه گل آقای جام جهانی ۶۶ می‌شود. در ۱۹۷۰ مسابقات جام جهانی در مکزیک برگزار می‌شود. تیم برزیل با نتیجه چهار بریک تیم ایتالیا را شکست



برخی از رویدادهای تاریخی آبان ماه

داخلی:

۱۲۸۷/۸/۷ - اعتصاب کارگران کارخانه چرم سازی تبریز تحت رهبری سوسپال دموکرات های تبریز
۱۲۹۳/۸/۲۵ - درگذشت سردار ملی خلق ستارخان
۱۳۰۴/۸/۱۲ - ترور میرزا یحیی واعظ کیوانوسی (قزوینی) یکی از کمونیست های ایران در مقابل مجلس در شرایطی که طرح لایحه خلع سلطنت قاجار در مجلس مطرح شده بود.
۱۳۲۲/۸/۱۷ - آغاز محاکمه دکتر محمد مصدق، رهبر جنبش ملی شدن صنعت نفت در سیدادگاه های رژیم شاه
۱۳۳۳/۸/۱۹ - اعدام دکتر حسین فاطمی وزیر امور خارجه دولت ملی دکتر مصدق توسط مزدوران رژیم شاه
۱۳۳۷/۸/۷ - تصویب قرارداد رژیم شاه با کنسرسیوم بین المللی نفت به استکار پیرنورک استعمار، علی اصنی

۱۳۳۸/۸/۸ - تیرباران دومین گروه از افسران مسارز ارتش وابسته به حزب توده
۱۳۳۸/۸/۱۵ - اعتصاب کارگران کارخانه شهناز اصفهان
۱۳۴۳/۸/۱۵ - تصویب قانون اعطاء مصوبیت سیاسی به مستشاران امریکا (احیاء کاپیتولاسیون) توسط مزدوران رژیم شاه در مجلس فرمایشی
۱۳۵۷/۸/۳ - آزادی گروهی از زندانیان سیاسی
۱۳۵۷/۸/۶ - آغاز "هفته همبستگی" توسط دانشجویان دانشگاه تهران

۱۳۵۷/۸/۸ - اعتصاب چهل هزار کارگر دوب آهن با خواست لغو حکومت نظامی در کارخانه
۱۳۵۷/۸/۱۳ - کشتار و خشیانه دانش آموزان ودانش - جوانان تهران در دانشگاه تهران بدست مزدوران رژیم شاه
۱۳۵۷/۸/۱۴ - سقوط کابینه شریف امامی و تشکیل دولت نظامی ازهارای و آغاز اعتصاب کارکنان رادیو و تلویزیون
۱۳۵۷/۸/۱۶ - انجام تظاهرات بزرگ مردم ایران در سراسر کشور
۱۳۵۸/۸/۱۳ - اشغال سفارت امریکا توسط مزدوران رژیم خمینی موسوم به " دانشجویان خط امام"

۱۳۵۸/۸/۱۵ - سقوط کابینه مهندس بازرگان
۱۳۵۹/۸/۱۱ - اعلام ممنوعیت انتشار روزنامه های مجاهد، ناروی انقلاب و فریاد گودنشین توسط دادستانی ارتجاع
۱۳۵۹/۸/۱۳ - قتل عام روستائیان اسدقاش توسط مزدوران خمینی
۱۳۶۲/۸/۱۷ - تصویب طرح " خودمختاری کردستان ایران" در شورای ملی مقاومت

خارجی:

۱۲۴ اکتبر - روز ملی متحد
۱۲۴ اکتبر ۱۹۶۶ - روز استقلال جمهوری زامبیا
۱۲۶ اکتبر ۱۹۸۳ - تهاجم نظامی امریکایه گرانادا واقع در دریای کارائیب
۱۳۱ اکتبر ۱۹۸۴ - ترور جنبانکارانه ایندیگانندی نخست وزیر فقید هند

در صفحه ۱۱

اخبار و رویدادها....

رد طرح کمیسیون زنان و خانواده

در مجلس آخوندی

به گزارش رادیو رژیم ۶ مهرماه: "در جلسه علنی امروز مجلس طرح الحاق يك تبصره به ماده ۱۴۲ آئین نامه داخلی مجلس در مورد تشکیل کمیسیون ویژه در امور زنان و خانواده مطرح شد که به تصویب نرسید".
طرح ایجاد کمیسیون پارلمانی زنان و خانواده که از طرف یکی از زنان مجلس ارتجاع طرح شد برای بار دوم به تصویب نرسید. این طرح بنا به گفته طراحان آن، یعنی زنان مجلس رژیم، چیزی بیش از آن حقوقی نیست که در چارچوب قوانین رژیم جمهوری اسلامی برای زنان در نظر گرفته شده است. نفیسه فیاض بخش نماینده مجلس ارتجاع در تهران، در بحث عمومی قبل از رای گیری مطرح کرد که "وی نمی خواهد بسش از حقوقی که اسلام برای زن قائل است، بدست آورد".
ویا "اگر برادران نسبت به عبارت زنان حساس هستند می توانیم آن را کمیته خانواده نامگذاری کنیم".
آخر گزارشی فرانسه شماره ۱۰ اما تمام این اوصاف، طرح مزبور به تصویب نرسید. عباس عباسی نماینده مرتجع ندر علیانی در رد این طرح گفت "زنان باید بدانند که مردان بر آنان حاکم اند و جهان تریباید بدانند که این مرد است که حکم فرماست".
آخر گزارشی رادیو رژیم ۷ مهر ۱۰

جنایت تروریستی

اخیر رژیم در بغداد

تروریست های رژیم خمینی در چهارشنبه ۱۴ مهرماه ۷۲ به روی ۲ تن از مجاهدین خلق در فرودگاه هسی در منطقه الشعب بغداد آتش گشودند. به دنبال این عمل تروریستی، مجاهد خلق مجیدرضا اراهمی به شهادت رسید و مجاهد دیگر مجروح و به بیمارستان منتقل شد.
دو نفر مجاهدین خلق در اطلاعیه ای که به اس...

NABARD - E - KHALGH
Organ of the organization
of Iranian People's Fedaian Guerrillas

N°: 101 23 Oct 1993

Nabard B.P 20, 91350 Grigny Cedex France	Hoveyat P.O Box 1722 Chantilly, VA 22020 U.S.A
P.L.K Nr. 039999 D 5000 Koln 1 Germany	Nabard Casella Postale, 307 65100 Pescara Italia
Hoviat Post Restante Mimers Gade 118 2200 N Denmark	Price: 6 F



دریوایر قدر می ایستند
خانه را روشن می کنند
و می میزند

شهادت فدایی
آبان ماه

رفقای فدایی:

سیروس سپهری - محمدرضا چمنی - علی دبیری
فرد - رحیم خدادادی - عثمان کریمی - هادی اشکانی -
لقمان مدائن - محمد سلیمانی (اصغر) - محمد داوود
نوری - عبدالرضا ماهیگیر - مریم دژآگاه - مهبران
محمدی - مجید شریفی - همایون - حجت - عزت الله
سهرامی (موسی) - جمشید دژآگاه - مرتضی فخر
طباطبائی - شاهرخ هدایتی - فرهاد سپهری - عبدالله
فیض الله بیگی - عمر صالحی - حسین مدیر شانه چی -
محمد حسین خادمی از سال ۵۰ تا کنون در آبان ماه
در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع توسط رژیم های
شاه و خمینی شهادت رسیده اند.

مناسبت در ۱۴ مهر ۷۲ در بغداد منتشر شده است. اعلام
می دارد: "مجاهدین خلق ایران همچنین روح خادایه
دفاع از خود در برابر تهاجمات تروریستی ناکند
می کنند. بی تردید دیکتاتوری مذهبی و تروریستی
حاکم بر ایران پاسخ جنایات تروریستی خود را در احسن
حاک ایران دریافت خواهد کرد".
همچنین در اس...
اطلاعیه که رونوشت آن به تمام مجامع بین المللی
ارسال گردیده است. سازمان مجاهدین از دبیرکل سازمان
سازمان ملل خواه استوار دستور قرار گرفتن تحریم فنی
و تسلیحاتی رژیم بخاطر نقض شدید حقوق بشر و صدور
تروریسم، در شورای امنیت گردیده است.
در صفحه ۳

با کمک های مالی خود سازمان را در

انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز:
سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه
رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است.
کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد، با مستقیما
به دیت ما برسانید و بابت حساب بانکی زیر واریز کردمو
رسید انرا به آدرس سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE نام بانک
BOULOGNE - S - SEINE آدرس بانک
03760 کد گیشه
00050097851 شماره حساب
MME; R - T - TALAT نام صاحب حساب